**مبانی نظري**

 منظورازتكليف شب عبارت است ازانجام مطالب نوشتني ،حل كردني و حفظ مطالبي كه به صورت تمرين در كتابهای درسي مشخص شده است و معلمان روزانه براي دانش‌آموزان مشخــص مي ‌كنند تادر خانه آن‌ها را انجام دهند (رنجه بازو،1377).

 درباره تكليف شب،نظرات گوناگوني ارائه شده است. برخي آن را عامل فعاليت،تمرين،تثبيت و خلاقيت آموزشي تلقي نموده،بعضي آن را يك مصيبت مي ‌خوانند و گروهي ديگرآن را عامل تزلزل خانواده و تضاد و الدين مي ‌دانند،افراطيون از آن به عنوان يك هيولاي تربيتي كه عامل ضايع‌كننده تمايلات، رغبت‌ها و استعدادها در عصر موج سوم (عصر كامپيوتر و الكترونيك) است، ذكر كرده، آن را عامل اساسي شكنجه رواني محصلان مي دانند(رنجه بازو،1377).

 تكليف در فرهنگ فارسي دكتر معين چنين معنا شده است

1- به رنج افكند ن .

2- به گردن گذاشتن،كار هاي سخت وشاق را به عهده كسي گذاشتن .

3- رسيدن به سن بلوغ و رشد .

4- وظيفه اي كه بايدانجام شود(مانند مشق خطومسائل).

5- از نظرآموزش و پرورش،تكليف شب به معناي مجموعه فعاليت هايي است كه به منظور تعميق يادگيري دانش آموزان، درساعتي كه در آموزشگاه حضور ندارد صورت مي گيرد(شايان،1377).

 وقتي معلم به دانش آموزبه جاي تكليف شب چند صفحه رونويسي مي دهد يا از او مي خواهد با كمك والدين تكاليفش را انجام بدهد،چگونه مي توان انتظار داشت كه اين دانش آموز خلاقانه عمل كند؟تكليف شب به مثابهً يك رخداد آموزشي،جزءپايداري از اجزاي آموزشي است .

 بدون شك تكليف شب فرصتي براي تمرين وايجاد يادگيري است . تكليف شب به منزله پنجره اي است كه از طريق آن والدين زندگي روزمرهً تحصيلي و علمي فرزندانشان را در مدارس تماشامي كنند . تكليف شب به عنوان پشتوانه رسمي مدارس درمنزل تلقي مي شود واز آن به عنوان پل انساني ما بين مدرسه و خانه ياد مي كنند(گروه آموزشي مديران، 1386).

**2-2-1 تاریخچه تکلیف شب**

 تکليف شب به عنوان يک موضوع تربيتي درسال 1842مورد مباحثه متخصصين علوم تربيتي درانگلستان قرارگرفت ودرسال1982درنخستين شماره هاي دائره المعارف تعليم وتربيت آمده است که بچه هاي کمتر از9سال آماده نيستند که تکاليف جديدي در خانه انجام دهند.

سيماي تکاليف در اوايل قرن بيستم جهت خاصي پيدا کرد و آن بدان جهت بود که ذهن انسان را به مثابه عضله اي فرض مي کردند که مي تواند به وسيله تمرين ذهني يا حفظ کردن تقويت شودو از آنجا که حفظ کردن مي توانست در منزل صورت مي گيرد ،بنابراين به عنوان موضوعي مثبت تلقي ميشد(نجاريان،1370).

 بدين ترتيب تکليف شب با پشتوانه اي علمي راهي مدارس شد و جزء لاينفک آن گرديد. اين طرز تلقي ادامه داشت تامحققان درصدد بررسي تجربي پيرامون تکليف شب برآمدند. نخستين پژوهش تجربي درسال 1904ميلادي درآلمان صورت گرفت ودرسال 1913ميلادي پژوهشي توسط مجله خانم هاي خانه دار صورت گرفت که در اين پژوهش با مديران اداري،پزشکان،والدين درخصوص اثرات تکليف شب در کشور امريکا مصاحبه و نظر خواهي شد و نتايج آن در مجله درج و قويا توصيه گرديد که تکليف شب بايددرمدارس دولتي متوقف شود. نتايج اين تحقيق مبداءومدخل مباحثات منسجم درخصوص کاهش يا افزايش تکليف شب در قلمرو و فرايند تعليم وتربيت تلقي گرديد ومحرک بسياري از پژوهش ها شد که دراين خصوص مي توان تحقيقات سايمونزدر سال 1921و دينا پولي در سال 1937در امر تکليف را نام برد.

بيشترين محور پژوهش ها ي فوق حول مفهوم تمرين و تثبيت در امر يادگيري و تکليف شب بود. در اواسط دهه 1940 ميلادي تاکيد زيادي بر روي فعاليت هاي فوق برنامه درسي به عمل آمد و تکليف شب مورد غفلت قرار گرفت،که اين امر بالاخص درجنگ دو کره صادق بود(نجاريان،1370).

**2-3 انواع ارائه تكليف شب**

 **2-3-1 تكليف تمريني**

 شايد مانوس ترين و سابقه دار ترين نوع تكليف شب ، تكاليف تمريني باشد كه هدف آن تامين فرصتي براي انجام مهارت هاي كسب شده و به كارگيري آموخته هاي جديد است.تكاليف تمريني مؤثر آن هايي هستند كه ازدانش آموزان بخواهند تا آموخته هاي جديد را با روش شخصي و به طور قابل فهم به كار گيرند ( گروه آموزشي مديران،1386).

**2-3-2 تكليف آمادگي و آماده سازي**

 اين نوع تكليف يكي از رايج ترين تكاليف به ويژه در كلاس هاي بالاتر است و هدف آن وادار كردن دانش آموزان به كسب اطلاعات به منظور آماده شدن براي بحث درس روز بعد است ،اين نوع ارائه تكليف اگر با رهنمود و راهنمايي معلم همراه نباشد كاملاٌ بي تفاوت است ( گروه آموزشي مديران ،1386) .

**2-3-3 تكاليف بسطي و امتدادي**

 تکاليف بسطي مجموعه ي فعاليت هايي را در بر مي گيرد که انجام دادن آنها سبب درک عميق تر و پايدارتر موضوع درسي مي شود . انجام دادن اين نوع تکاليف ، نيازمند همدلي و همکاري مسئولان آموزشگاه و والدين مي باشد.زيرادراين نوع تکليف نيمي از فکر متعلق به معلم ونيمي ديگر مربوط به دانش آموز است .

 والدين بايد با نظارت بر فعاليت هاي بسطي در خارج از محيط مدرسه و اجازه دادن به دانش آموزان براي حضوردراجتماع درساعات فراغت از مدرسه به منظور انجام دادن اين فعاليت ها همکاري لازم را داشته باشند.نتايج تحقيقات وجمع آوري شواهد و مدارک در جريان انجام دادن تکاليف بسطي بايد درجريان تدريس مورد استفاده قرار گيردومعلم مکلف است نمره هايي را در ارزشيابي تکويني و نهايي به تکاليف بسطي اختصاص دهد و دانش آموزان کوشارا تشويق کند(گروه آموزشي مديران،1386) .

**2-3-4 تكليف خلاقيتي**

 خود شاگرد تکليف را مشخص مي کند که درزمره ي پيچيده ترين انواع تکليف است ، ممکن است انجام دادن اين تکليف فردي يا گروهي باشد .اين نوع تکليف کمتر مي توان به صورت يک تکليف يک شبه نگاه کرد.يکي از خصوصيات آن تمرکز بر توليد چيزهاي بکر و جديداست . معلم مسلماً بايددرجريان رسيدگي به اين گونه تکاليف خلاقيتي ، موارد متعددي را در نظر بگيرد و نمره ي شايسته اي را به دانش آموز بدهد.تشويق، دادن جايزه ، اطلاع دادن به والدين دانش آموز خلاق و تمايز دانش آموزخلاق و کوشا از جمله وظايف معلم در اين زمينه است(استروتر[[1]](#footnote-1) ،1384).

**2-4 نظر انديشمندان تعليم و تربيت درباره ارائه تكليف**

**2-4-1 برونر[[2]](#footnote-2)**

 برونر براين باوراست که يادگيري بايدآن چنان سازمان يابد که هر دانش آموزي به تنهايي به فعاليت بپردازد و تکاليف نيز براي هر دانش آموز بايدجداگانه و با توجه به توانايي و علائق هر يک از دانش آموزان طراحي شود.به عقيده برونر يادگيري علاوه بر کسب يک رشته از معلومات بايد انساني بهتر و خوشبخت تر ، شجاع تر ، حساس تر و شرافتمندانه تر به وجود آورد(شعباني،1380).

**2-4-2 اسکينر[[3]](#footnote-3)**

 اسکينر نقص هايي را که دراجراي برنامه هاي آموزشي وجود دارد به اين صورت بيان مي کند: تقويت مطلوب کمتر از ميزان لازم انجام مي شو،امروزه شاگردان در مدرسه طوري رفتار مي کنند که در اصل مي خواهند از يک رشته رويداد ناخوشايند بگريزند،ازجمله اين رويداد هاي(توبيخ،جريمه)را مي توان نام برد(شعباني،1380).

**2-4-3 ثورندايک[[4]](#footnote-4)**

 در نظريه يادگيري ثورندايک قوانين يادگيري به سه دسته تقسيم مي شوند.

1- قانون اثر:که نشان دهنده اين واقعيت است که در جريان آزمايش و خطا ، هر گاه بين محرک و پاسخ رابطه خوشايند و لذت بخشي پديد آيد،آن رابطه تقويت مي شود و بر عکس،اگربين محرک و پاسخ رابطه ناخوشايند و آزار دهنده اي پديد آيد،آن پاسخ خاموش مي شود و از بين مي رود.

2-قانون آمادگي:شاگردبايدازلحاظ رشد جسمي،عاطفي،ذهني وغيره به اندازه کافي رشد كرده باشد تا بتواند مفهوم هاي مورد نظر رابه خوبي ياد بگيرد.

3-قانون تمرين:براساس اين قانون،هر قدر محرکي راکه پاسخ رضايت بخش به دنبال داردبيشتر تکرارکنيم،رابطه بين محرک و پاسخ مستحکمتر و پايدار تر خواهد بودوبالعکس .

ثورندايک معتقداست که تمرين بايدمتنوع،معنادار،هدفدار و به قدرکافي تقويت کننده باشد(شعباني،1380).

 سيف 1371مي گويد:رابطه صميمانه بين آموزگار و محصل بهترين منبع تشويق است.دانش آموز وقتي متوجه مي شود كه باانجام تكاليفش مي تواند رضايت خاطر معلم را جلب كند در اين امر ترغيب و مصر مي گردد.مشروط بر اين كه معلم رضايت خودرادر قالب رفتار هاي قابل مشاهده،تشويق كلامي،نوازش ، جايزه و ... منعكس سازند .

وي ازجمله متخصصين هايي است كه انجام تكاليف درسي را مفيد مي داند و معتقد است كه بخش عمده يادگيري بايد در كلاس انجام شودوفعاليت هاي خارج از مدرسه بايد مكمل يادگيري و فعاليت هاي مدرسه باشد.

 افروز (1378) مي گويد:ارائه تكليف نقشي بسيار مهم در فرايند ياد دهي و يادگيري مي تواند بر عهده داشته باشد به اعتقادايشا ن«ارائه تكليف بايد آن چنان منظم و هدف دارتهيه شود كه دردانش آموز ايجادانگيزه،انديشيدن،تلاش، احساس مسئوليت ،انگيختگي،نو آوري وخلاقيت نمايد.ضمن اين كه مواظب باشيم همه اوقات فراغت دانش آموزان را كه مناسب ترين بستر براي تامين بهداشت رواني و آفرينش هاي فكري وخلاقيت هاي ذهني انسان مي باشد رااشغا ل نكنيم .

 علي شريعتمداري(1375) مي گويد:« ارائه تكليف از لحاظ تربيتي بايد مكمل يادگيري باشد. اما برخي معلمين آن را در رديف يك كار عادي قرار داده وتصور مي كنند دانش آموزان بايد قسمتي از وقت خود را به تكرارآن چه در مدرسه آموخته يا در كتاب آمده بپردازند .براي تعيين نقش ارائه تكليف در فرايند يادگيري بايد درك درستي از جريان يادگيري داشت.

يادگيري به اعتقاد روانشناسان عبارت است از تغيير رفتار از راه تجربه .

رفتار عبارت است از آن چه از انسان سر مي زند،اعم از اين كه قابل مشاهده و اندازه گيري باشد يا خير ».

 ويلر[[5]](#footnote-5) (1322) مي گويد : تكليف شب بايد به توانايي هاي هر دانش آموز كمك كند.در سال 1975 زماني كه هنوز روسيه نتوانسته بود سفينهً اسپوتينگ را به فضا پرتاب كند ،نگرش ها درباره دستيابي به دانشگاه وسپس به تكليف شب بود،ولي بعداز پرتاب سفينه ملت ها به اين تفكر كه در آينده بايد به تكليف شب تأ كيد كرد،رسيدند .

 كوپر[[6]](#footnote-6) (1368)ووالبرگ (1364)معتقدندكه تكليف شب بادستيابي به دانشگاه ارتباط دارد و درسيستم تعليم و تربيت ماامري مهم است.

اطلاعات بسياري كه در گزارش هاي تكليف شب هست ، بسيار متناقض است .بنابراين حمايت از تكليف شب يا قضاوت درباره آن،نياز به تحقيقات دارد و بااين حال تعيين تمرين تكليف شب در سر تا سر دوران مدرسه ضروري است.

 بارنهم (1384) مي گويد:مدرسه ها نبايد درفعاليت ها و كارهاي صحيح بچه ها دخالت كنند،او همچنين تأكيد كرد ارزش تكليف شب بايدبراساس اطلاعات باشدنه اظهارعقيده هاي ساده.تكليف شب بسته به مزيت هاي متفاوت آن درسطح نمره هاي دانش آموزان در شروع تحصيل مؤثر است وحتي درادامه تحصيل آن ها در دانشگاه را تسهيل مي كند.در بسياري از تصميم هايي كه زودتر از دههً 1900گرفته مي شد،انتقاد هاي زيادي به تكليف شب مي شدومدرسه هارا به دليل دادن تمرين به عنوان تكليف شب به چالش كشاندند .

 استيت[[7]](#footnote-7) (1315) مي گويد:معلمان ارزش تكليف شب را بر خلاف عقيده ها كه انجام دادن كارسخت مي دانند،آن را نظارت حرفه اي مي خوانند.وي همچنين در موردزياده روي در جحم تكليف شب و تأثيرات آن روي سلامتي و روان دانش آموزان مي گويد:ارائه تكليف بايد با توجه به موقعيت دانش آموزان به آن هاارائه بشود.

 والبرگ[[8]](#footnote-8) (1378) مي گويد:دانش آموزان بايد بازخورد تكليف شب رادريافت كنند.دسترسي دانش آموزان دربازخوردي كه به وسيلهً معلمان براي آن ها فراهم مي شود،مي توانند بسيار اساسي باشد.نمره دادن به تكليف شب سودمند است،اما تكليف شب در ديدگاه معلم نظريه جادادن آموزش است كه بيشتر در يادگيري تأثير دارد .

 اندرسون[[9]](#footnote-9) (1374)وروزنبلوم ،نيول (1360) مي گويند: تسلط،نيازمندتمرين متمركزدرطول روزوهفته است . بعد از تنها 4 جلسه تمرين دانش آموزان به نيمه – راه نقطه تسلط مي رسند . قبل از اين كه دانش آموزان به 80 درصد تسلط برسند ، بيشتر از24 جلسه وقت لازم دارد. و اين تمرين بايد به طور مستمر در طول روز و هفته صورت بگيرد و نمي تواند عجولانه باشد .

**2-5 خصوصيات تكليف از نطر تحقيقات تربيتي**

 مقدار تكليف بايد متعادل باشد به طوري كه ذوق و شوق دانش آموز را براي تحصيل از بين نبرد. طول زمان انجام تكليف متناسب با ويژگي هاي دانش آموزان باشد.طول زمان مناسب براي انجام تكاليف دانش آموزان ابتدايي بيشتر از يك الي دو ساعت نباشد. تكليف شب بايد چند بعدي باشد به طوري كه مهارت هاي كلاسي،نوشتاري،كاوشگري،اجتماعي عاطفي و...راپرورش دهد. در تعيين موضوع تكليف به علائق واستعدادهاي دانش آموزان و تفاوت هاي فردي توجه شود. مثلا براي دانش آموزان قوي تكاليف پروژه اي و براي دانش آموزان ضعيف تكاليف امتدادي و تمريني تعيين گردد. تكليف بايد تا آنجا كه امكان دارد بامحيط زندگي يادگيرندگان مرتبط باشد تا آنان بتواننداز تجربه هاي يادگيري در موقعيت هاي گوناگون و درس هاي متفاوت استفاده كنند(پيوند،1378 ) .

**2-6 علل كم كاري و تنبلي دانش آموزان**

 1 - علت جسماني:كودكاني ممكن است بر اثر ضعف عمومي بدن ، كم خوني،بيماري تنفسي،بي اشتهايي،كم كاري بعضي غدد تيروئيدو...از لحاظ زيستي دچار مشكل باشند و نتوانند وظايف خودرا انجام بدهند،بديهي است اين قبيل كودكان قبل از هر چيز بايد زير نظر پزشك متخصص درمان شوند.

2- علت رواني وعاطفي:گاهي اوقات تنبلي كودكان ريشه رواني و يا عاطفي دارند مثل كودكاني كه دچاربيماري هاي روان پريشي باشندويا كودكاني كه به شدت مي ترسند و...اين قبيل كودكان به هيچ وجه قادر به انجام تكاليف خود نيستند . مهمترين عوامل رواني و عاطفي كه در تنبلي و كم كاري كودكان مؤثرند،عبارتنداز:اختلال شخصيت،فشار رواني،احساس ناامني،تنفروبي علاقگي،نداشتن انگيزه و...

3- علت اجتماعي:تزلزل،نابساماني ويا گسستگي خانواده به هرشكل كه باشد اثرات زيان باري براي كودك دارد.

4- علت ذهني و يا عقب افتادگي تحصيلي:عواملي از قبيل كم هوشي،ضعف حافظه،كندذهني،ضعف بعضي ازاستعداد ها،اختلال در ادراك،خستگي ذهن و ... مي تواند منشاءتنبلي و كم كاري دانش آموزان باشد(قورچيان،1384).

2-7 **تكليف شب و اوليا**

 تكليف شب در حالي كه مي تواند وسيله اي براي نزديك كردن و ايجاد صميميت بيشتر بين كودكان و اولياي آنان باشد.

در بسياري از مواقع در شرايط نامطلوبي انجام مي گيرد و در نتيجه موضوعي براي درگيري ها واوقات تلخي هاي خانوادگي مي شود.

براي بسياري از كودكان ايجاد محيطي آرام براي انجام تكاليف محيطي كه آنان بتوانند به دور ازسرو صداي تلويزيون، راديو و رفت و آمد ها درس بخوانند و بدانند كه درصورت لزوم از كمك هاي فكري يكي از اطرافيان خود برخوردار خواهند بود،كافي است و اين قبيل كودكان انتظار ديگري ندارند،اما دانش آموزان تكاليف خود را انجام مي دهندكه مثلا مادر،پدريا بزرگسالي دركنارشان باشدوبه كارهاي آنان نظارت مستقيم داشته باشد .اين كودكان در صورت عدم تمايل اوليا به همراهي با آن ها در اين امر،ازانجام تكاليف خودداري مي كنند.اين امر مي تواند ناشي ازدلايل مختلفي ازجمله نياز كودك به توجه بيشتر بزرگسالان باشد. كودكاني كه از تكليف شب به عنوان وسيله اي براي جلب توجه اوليا و نگه داشتن آنان در كنار خود استفاده مي كنند،به زبان بي زباني نشان مي دهند كه از توجه كافي برخوردار نيستند.در اين صورت شايسته است اوليا روابط خود رابا فرزند شان مورد سؤال قرار دهند و وقت بيشتري را صرف صحبت و توجه به او كنند(پيوند،1377).

 گاه انجام تكاليف براي شاگردان بي فايده و بي معني به نظر مي رسد.زيرا اودقيقا نمي داند چه بايد بكند و پرسش هاي معلم برايش مبهم است.دراين مواقع كمك به وي در مطالعه دقيقتر سؤالات يا تشويق او به پرس و جو از يك همكلاسي،به روشن شدن موضوع كمك خواهد كرد.اكراه درانجام تكاليف گاه ناشي از جذابيت محيط اطراف به خصوص بازي با دوستان يا تماشاي تلويزيون مي باشد،از طرفي شايداولياي كودكان تصور مثبتي از كار و فعاليت جدي به او ارائه نداده اند،در اين صورت چگونه مي توان از كودكي انتظارداشت كه از كار كردن لذت ببرد،درحالي كه هرگز چنين الگويي رادراطراف خود نديده است و هرگز به او نشان نداده اند كه انجام يك كار جدي و حل يك مشكل تا چه حدي مي تواند لذتبخش باشد و ارزش اين راداردكه انسان به خاطر آن لذ ت هاي زود گذر را فدا كند(پيوند،1377).

 وقتي والدين در فرايند تكليف شب،درگير مي شوند تمام دانش آموزان از آن سود مي برند،به هر حال درگيري بيشتر والدين مي تواند از تأثيرات مثبت تكليف شب جلوگيري كند.تعيين يك وقت منظم براي انجام دادن تكاليف و طراحي يك مكان مخصوص براي انجام تكاليف به تمركز دانش آموزان هنگام مطالعه كمك مي كند.يك سطح مسطح،روشنايي خوب،مداد، كاغذ ،تابلو كارواغلب يك فرهنگ لغت ضروري است(پيوند،1377).

 معلمان به دانستن اين كه دانش آموزان درك مي كنند و اين كه خودشان مي توانند مستقل كار كند،نياز دارند . معلمان به والدين توصيه مي كنند كه براي بچه هاچيزي تعيين نكنند زيرا دانش آموزان آن هارااز روي كتاب رونويسي مي كنند. نمره دادن و بازخوردمعلم نسبت به تعيين تكليف خود دانش آموزان است نه كار والدين و نه همكاري والدين – دانش آموز در حل تمرين .اين يك امرروشني است كه همه معلمان از دانش آموزان انتظار دارند كه مستقل عمل كنند و هم چنين از والدين انتظار دارند كه تكاليف دانش آموزان را زماني مورد بررسي قرار دهند كه دانش آموزان خودشان تصحيح كنند،قبل از اين كه آن را بر گردانند.دانش آموزان هنگام حل تمرين بايد مستقل كار كنند و به وسيله راهنمايي هايي كه از قبل مي شوند ، تشويق و ترغيب شوند كه چگونه اطلاعات را پيدا بكنند و كلمات رااز داخل فرهنگ لغت پيداكنند تااين كه مستقيماًجواب سؤال را به آن ها بگو ييد.والدين بايداز دانش آموزان بخواهندكه با صداي بلند بخوانند و خودشان اشتباه هاي آن هاراتصحيح كنند و به آن ها چگونه صحيح خواندن راياد بدهند.وقتي والدين خودشان باصداي بلند ازروي كتاب مي خوانند و هم زمان با آن بچه ها آن كار را انجام مي دهند، مي تواند يك مثال خوبي براي به وجود آوردن يك نگرش خوب براي يادگيري باشد ( قزويني ،1370 ) .

**2-8 تكليف شب و مدرسه**

 بااين كه در بسياري از كشورها،به علت شرايط مطلوب يادگيري در كلاسها،وجود معلمان ورزيده،كلاسهاي كم جمعيت و غيره مساله تكليف شب لااقل در دوره ابتدايي كنارگذاشته شده است و جاي خودرابه انجام فعاليتهاي خلاقه و مورد علاقه كودكان داده است،در كشورهايي مانند كشور ما كه به علت رشد سريع جمعيت و در نتيجه كلاسهاي پرتراكم،كمبود معلمان،مدارس چند نوبته و ... دانش آموزان وقت محدودي رادر مدرسه مي گذرانند و لذاشرايط آموزش و پرورش مورد انتظار به دليل مشكلات فوق نمي تواند فراهم باشد ، لازم است كودكان آنچه را كه در مدرسه آموخته اند در خانه تمرين و تكميل كنند . ازآن گذشته درشرايطي كه امكان پرسش و پاسخ دركلاسها محدود است ، تكليف شب مي تواند براي معلمان وسيله اي جهت شناخت تواناييهاي درسي شاگردان باشد.

 بايد دانست كه يادگيري مطالب درسي تنها دريافت اطلاعات در مدرسه و مرورآنها درخانه نيست،بلكه شامل يك سلسله فعاليتهاي مختلفي است كه كودك بايددرموردآن اطلاعات انجام دهد تا بتواند آنها رادرذهن خود جايگزين نمايد. بر خلاف آن چه ظاهراً به نظر مي رسد،درس حاضر كردن كار آساني نيست و بسياري ازدانش آموزان نمي دانند چگونه درس بخوانند،آيا بايدازروي مطلب خواند؟چگونه؟چند بار؟ در كنار مطلب درسي از چه لوازمي بايد استفاده كرد؟ مداد؟ كتابچه؟ خط كش؟ جزوه درسي؟ فرهنگنامه و كتابهاي مرجع؟ آيا بايد از كسي كمك گرفت؟از چه كسي؟چه وقت مي توانيم مطمئن شويم كه مطلب را يادگرفتهايم؟وقتي بتوانيم آن را با كلمات خودمان بيان كنيم؟وقتي آن راحفظ شويم؟وقتي بتوانيم خلاصه كنيم؟ بنابراين لازم است معلمان شاگردان را با روشهاي مختلف درس حاضر كردن،چگونگي انجام تمرينات درسي،مرور يك مطلب براي امتحان و برنامه ريزي براي انجام تكاليف آشنا كنند . نكته ديگر اين است كه پرحجم ترين و سنگين ترين تكليف شب نيز نمي تواند جبران درسي را كه در كلاس خوب تفهيم نشده است ،بكند و براي تضمين موفقيت تحصيلي شاگردان نبايد روي درس خواندن آنان در خانه و كمك اوليا تكيه كرد. بله ، تكليف شب در شرايط فعلي مدارس ما امري لازم به نظر مي رسد اما تكليفي كه طولاني و خسته كننده نباشد، انگيزه انجام آن در شاگردان به وجود آمده باشد .

**2-9 شناخت روش يادگيري كودك**

 همان طور كه مي دانيم كودكان به طرق مختلف مطالب را فرا مي گيرند."دلاگاراندري1" يكي از متخصصان تعليم و تربيت در فرانسه نحوه يادگيري دانش آموزان بسياري را در سنين مختلف مطالعه نموده است. وي اين نتيجه را مورد تاكيد قرار مي دهد كه برخي از كودكان آنچه را كه مي شنوند سريعتر و بهتر ياد مي گيرند و تصوير آن را در ذهن خود حفظ مي كنند، در حالي كه برخي ديگر، آنچه را كه با چشم خود مي بينند بهتر ياد مي گيرند تصوير آنچه ديده شده است بهتر در ذهنشان نقش مي بندد. كودكاني نيز وجود دارند كه با داشتن حس لامسه قوي اگرفرصتي براي انجام كارهاي دستي در ارتباط با مطالب درسي به آنان داده شود مطالب را بهتر درك مي كنند . ( بريدن شكل مثلث يا مربع، درست كردن يك مكعب مستطيل بامقواو...) ،بر اساس پيشنهاد مربي فوق اگر بخواهيم به كودكي در انجام تكاليفش كمك كنيم بايد ببينيم او به طور طبيعي چگونه ياد مي گيرد و سپس تسهيلات لازم را براي اينكه بتواند به روش خود كار كند،برايش فراهم آوريم.تشخيص اين مساله چندان مشكل نيست؛مثلاٌ پس از بازگشت از منزل دوستان، از گردش در پارك يا تماشاي يك موزه، دقت كنيم و ببينيم آيا او بيشتر به صحبت هاو گفته هاي ديگران توجه داشته،آنها را به خاطر مي آورد يا آنچه را كه مورد مشاهده قرار داده است.اگر كودك شنيده هاي خود را بيشتر به ياد مي آورد، تصاوير ذهني او تصاويري سمعي است واگر در به ياد آوردن آنچه ديده،بيشتر مسلط است، يادآوري تصاوير بصري در او آسانتر است.كمك ما به اين كودكان،ضمن آزاد گذاردن آنان در استفاده از روش خاص خود اين است كه تمريناتي به آنان بدهيم تا ساير حواس خود را نيز به كار گيرند.دلاگاراندري در كتاب خود تحت عنوان "نيمرخ آموزشي دانش آموزان" به انواع تمريناتي كه مي تواند حواس مختلف را تقويت كند و يا امكان يادگيري كودك را بهبود بخشد،اشاره مي كند. نكته ديگر اين است كه فعاليتهاي ذهني كودك منحصر به دريافت اطلاعات نيست، بايد ديدذهن وي چگونه روي اين اطلاعات كار مي كند. مطالعاتي كه در مورد دانش آموزان مختلف انجام گرفته است نشان مي دهد كه برخي از كودكان به هنگام يادگيري يك مطلب درسي ترجيح مي دهند آن را به قسمت هايي تقسيم كنند و هر قسمت را به طور دقيق بخوانند.آنان معمولاٌ با يادگيري يك بخش به بخش بعدي مي پردازند. نحوه درس خواندن بعضي ديگر از دانش آموزان اين است كه اول كل مطلب را يك بار مي خوانند تا اصل موضوع را دريابند سپس به يادگيري اجزاي آن مشغول مي شوند. به همين ترتيب، براي بعضي از كودكان شباهت بين اجسام يا مجاورت بين آنها و براي بعضي ديگر تضاد بين اجسام يا امور، يادگيري را آسان جلوه مي دهد . بنابراين كمك ما به كودكان در انجام تكليف شب اين نيست كه روش خاص خودمان را به آنان تحميل كنيم،بلكه مهم رفتار و طرز برخورد ما با اين مساله است.برخورد مناسب آن است كه به آنان در شناخت روش مناسب يادگيري كه مخصوص آنان است ياري دهيم.اين كار چندان مشكل نيست و حتي يادآوري تجربيات غير درسي كودكان نيز مي تواند در اين مورد مفيد واقع شود؛به عنوان مثال مي توانيم به همراه فرزند خود بيانديشيم كه او چگونه فلان فعاليت غير درسي را آن طور سريع و با موفقيت ياد گرفته است. اگر او بتواند به اين نكته پي ببرد و از همان روش در فعاليتهاي درسي اش نيز استفاده كند، مسلماً كار خود را بهبود خواهد بخشيد( بازرگان،1376).

**2-10 شرايط نوشتن تكليف شب**

 نخستين شرط اين است كه دانش آموزان فكر با ارزشي داشته باشند.دانش آموزان بتواند فكر خود رادر قالب جمله هايي قابل فهم براي ديگران درآورد.نوشته از نظر جمله بندي ، درست و عاري از غلط املايي باشد.خوش خط و خوانا باشد(پيوند،1377).

**2-10-1 هدف هاي انجام تكليف شب**

 1- به وجود آوردن مهارت در نويسندگي براي بيان احساس.

2- پيدا كردن مهارت براي ايجادارتباط و رفع نياز.

3- متوجه ساختن دانش آموزان به اين امور كه نوشتن يكي ازوسايل ارتباط بين افراد است.

 4- آگاه ساختن دانش آموزان كه نوشتن وسيله اي براي ثبت و ضبط افكار و انديشه هاست.

5- تشويق دانش آموزان به بيان هدف ها واظهار عقايد به وسيله نوشتن.

6- پرورش قوه ابداع وابتكاروخلاقيت كودك.

7- هدايت دانش آموزان به اين كه اصول نوشتن را به تدريج ياد بگيرند،تادراين امر ورزيده شوند(پيوند،1381).

**2-10-2 آثار مثبت تكليف شب**

 1- سرعت گرفتن پيشرفت تحصيلي و يادگيري.

 2- ايجاد انگيزه وايجاد آثارتحصيلي دراز مدت از قبيل افزايش اشتياق به يادگيري دراوقات فراعت به ايجادعادت ،مطالعه،مهارت آموزي و ايجادانگيزه نسبت به مدرسه و تحصيل.

3- پرورش احساس مسئوليت،قدرت برنامه ريزي و مديريت ،اعتمادبه نفس و پشتكار،تحريك كنجكاوي و پرورش روحيه استقلال در دانش آموزان.

4- پر كردن اوقات فراغت دانش آموزان به شكل سالم.

5- احتمال تعليم آموخته ها در موقعيت تازه و پيشرفت هاي تازه و اضافي و توان بكار گيري يافته ها دراين قبيل موقعيت هاي از پيش تعيين شده.

6- آگاه شدن والدين از آن چه در كلاس درس مي گذرد (پيوند، 1381).

**2-10-3 آثار منفي تكليف شب**

 1- بيزاري ازمدرسه،از دست دادن علاقه به درس ،خستگي روحي و جسمي ناشي از تكرارمطالب و حجم زياد مطالب،محروم شدن از اوقات فراغت وفعاليت هاي اجتماعي مورد علاقه واحساس مظلوم واقع شدن به دليل اشتغال در اوقات فراغت .

2- افزايش فاصله بين دانش آموزان ممتاز و ضعيف.

3- برخورد بين والدين و فرزندان و فشاروالدين براي انجام دادن تكاليف و بروز تعارض بين روش تدريس معلمان و والدين.

 4- افزايش رفتار سازش نيافته،تقلب در شاگردان و توسل به شگرد هايي از قبيل رونويسي ازتكاليف ساير دانش آموزان يا واگذار كردن تكاليف به بقيه افراد مانند والدين و خواهران و برادران ديگر(كوپر،1377).

**2-11 چگونه دانش آموزان را تكليف پذير كنيم ؟**

 1- مي توان تكاليف را متناسب با توانايي و استعداد كودك ارائه كرد.

2- تلاش كنيم،تكليف به كودك تحميل نشود.

3- كودكان درانجام تكاليف ياري دهيم .

4- ميزان فرصت دادن به كودك رادرانجام تكليف در نظر بگيريم .

5- به دانش آموزان تكليف كم بدهيم،اما خوب تحويل بگيريم تا او منضبط و حسابگر بار بيايد .

با مراعات همه اين نكات ممكن است كودك قصور كند،دراين جاانعطاف پذيروبا گذشت باشيم وازاو بخواهيم كه وظايفش را دوباره كامل و درست انجام دهد(رشد،1370).

**2-11-1 وقت انجام تكاليف**

 انجام دادن تكاليف به عنوان يكي ازمراحل يادگيري بايد در شرايطي خاص صورت گيرد تا اهداف مورد نظر تأمين گردند . يکي ازاين شرايط زمان انجام تکاليف است.مشاهده مي شود که برخي از دانش آموزان اندکي پس ازمراجعت ازمدرسه علي رغم خستگي به انجام تکاليف شان مشغول مي شوند تا اضطراب ناشي ازفشاري راکه دراين زمينه احساس مي کندکاهش دهند . گروه قابل توجهي ازدانش آموزان نيز تکاليف شان را پس از چند ساعت فعاليتهاي جسمي،تماشاي تلويزيون وامثالهم انجام مي دهند،بازدهي يادگيري دانش آموزان در هردو حالت فوق ضعيف مي باشد. توصيه مي شود فراگيرهرروز طبق برنامه وشرايط خاصي به انجام تکاليفش بپردازد.تکاليف رادر ساعت خاصي که معلم ياوالدين برايش تعيين کرده اند آغاز نمايد و تا ساعت مشخص مثلاً پس از دو ساعت آن رابه پايان برساند.تعيين چنين محدوديتي براي دانش آموز او را ملزم مي کند تا بدون آن که به فعاليت هاي جنبي ديگري بپردازد فقط به انجام تکاليفش مشغول باشد(پيوند،1381).

**2-11-2 نقش والدين در انجام تکاليف شب دانش آموزان**

 روش ها و طرح هاي متعددي براي همکاري پدرومادرها با مدرسه وجود دارد که در شرايط مختلف و به فراخور حال والدين قابل اجرا و بهره برداري مي باشند.ميزان تحصيلات ،مشغله زياد،سن و موقعيت اجتماعي - اقتصادي پدر مادرها از جمله عوامل تعيين کننده اي مي باشد که حدود و نحوه همکاري آنان را در امور تحصيلي فرزندانشان مشخص مي سازد . معلم آگاه و فعال مي تواند با بهره برداري ازحداقل توانايي هاي والدين بيشترين مشارکت را از ايشان جلب نمايد . درامر تکليف شب بايد چگونگي ديدگاه والدين نسبت به اين امر اصلاح گردد و نقش و اهميت آن درامر تعليم و تربيت براي ايشان روشن شود.والدين بايد بر اساس خط مشي و نيازهاي افراد خانواده برنامه خاصي رابراي فرزندانشان طراحي کنند،تا در بهترين و مناسب ترين اوقات همه ي فعاليت هاي لازم رااز قبيل:مطالعه ي دروس،نظافت،انجام مسئوليت هايي در خانه،مهماني،بازي،و... را در نظر بگيريدوبر حسن اجراي آن نظارت نزديک داشته باشد. ضروري است والدين در مواقع اضطراري در تغيير برنامه از خودشان انعطافي منطقي نشان دهند. شايد بزرگترين مسئوليت پدران و مادران تلاش به جهت تعليم و تربيت صحيح فرزندانشان باشد. سهيم شدن والدين در جريان تعليم و تربيت کودکان نه تنها در موفقيت يا شکست آنان در زندگي بلکه درنقش پدري ومادري همان کودکان در آينده نيز موثر است .بايد شرايط مطلوب و لوازم مناسب براي انجام تکليف از طرف اوليا رعايت شود . زيرا دانش آموزان نمي توانند در هر جا و تحت هر شرايطي کار کنند . پس محيطي بي سر و صداو مطلوب از نظر نور و حرارت و لوازمي مثل مداد،خودکار ، پاک کن و ... را براي او فراهم آورند . بهتر است والدين دورا دور بطور غير مستقيم تکليف درسي فرزندانشان را زير نظر داشته و مراقبت حسن انجام آن باشد .طور خلاصه بايدگفت بهبود انجام تکليف درسي کودکان درخانه نه به وسيله ي زور ميسر خواهد شد.نه با ابراز نگراني ، نه با سرزنش و نه با تحميل راه و روش اوليا . زيرا اين روش هاغالباً مقاومت کودکان را بر خواهد انگيخت و بي ميلي و اکراه آنها به درس خواندن و مدرسه رفتن خواهد افزود . آنچه مهم است ايجاد محيطي مطلوبي براي يادگيري و وجود اوليايي که بتوانند تفاهم حمايت و حتي گاهي هم دردي خود را نسبت به کودک نشان دهند . اوليايي که بتوانند از تکليف شب به عنوان وسيله اي در بهبود ارتباطات خانوادگي در نزديک کردن افراد خانواده به هم و کمک متقابل به يکديگر استفاده کنند و با انگيزه گام موثري در جهت تعليم و تربيت فرزند خويش برداشته اند(عباس زاده،1380).

 **2-12 نظريات مخالفان وموافقان ارائه تكليف به دانش آموزان**

 تكليف شب در شرايط فعلي مدارس،امري لازم به نظر ميرسد،اما تكاليفي كه طولاني و خسته كننده نباشد،انگيزه انجام آن در شاگردان به وجود آمده باشد و با توانايي آنان از نظرجسمي و ذهني مطابقت كند. از همان زمان كه بچه ها تمرينات درسي خود را روي لوح كوچك سنگي انجام مي دادند، تا به امروز كه كاغذ و الوان كتابچه هاي كلاسور، وسيله انجام اين وظيفه آموزشي است،مساله تكليف شب ومباحثات مربوط به آن همواره براي دانش آموزان ،معلمان و اولياء مطرح بوده و نظريات موافق و مخالف آنان را برانگيخته است(كردي،1377).

 آنان كه مخالفت دارند،برخي تكليف شب را به خصوص در سطح ابتدايي كاري بيهوده مي دانند و عقيده دارند كه كودكان پس از سپري كردن يك روز طولاني خسته كننده در مدرسه وقتي كه خانه مي رسند ،بهتر است كه اوقات خود را به استراحت ،بازي و يا اشتغال به يك كار سر گرم كننده و به هر حال فعاليت غير درسي بگذرانند.اين قبيل اولياء كه اغلب تحصيلات بالا و موقعيتي مناسب در اجتماع دارند ، به استناد به گفته برخي پزشكان عقيده دارند كه بسياري ازعقب ماندگي هاي تحصيلي ناشي از خستگي ذهني كودكان است و اين امر استدلال مي كنند كه حجم زياد دروس و كمبود وقت براي براي استراحت و تفريح باعث مي شود كودكان نتواند مطالب درسي را به خوبي هضم كنند و موقع خواندن تمركز خود را نيز از دست مي دهند و به صورت شاگرداني كسل،بي توجه ومايوس درمي آيند.نكته ديگر كه دليل مخالفت برخي ازاولياء مربيان تعليم وتربيت از جمله نويسنده فرانسوي ، «‌‌‌‌‌فيليپ مريو»است،اومعتقد است كه تكاليف درسي خانه،به خصوص اگر سنگين وپيچيده باشد مي تواند تبعيضات اجتماعي را تشديد كند،زيرا تنها دانش آموزاني كه از وجود پدر و مادر تحصيل كرده و محيط خانوادگي مطلوب بهره مند ند مي توانند در محيطي آرام و پر انگيزه براي انجام تكاليف،كار كنند و از نظارت و كمك اولياي خود در جايي كه دچار مشكل مي شوند،برخوردار گردند.بديه‍ي است چنين امكاناتي براي دانش آموزان متعلق به قشر محروم جامعه وجود ندارد.اتاق هاي كوچك و پر جمعيت ،بي سوادي يا كم سوادي اولياء، به عهده داشتن مسؤليت هايي در اداره خانه و ...انجام تكاليف در خانه را براي اين كودكان بسيار دشوار مي سازد . لذا تكليف شب اغلب وسيله درگيري و ايجاد مشكلات بين اين قبيل دانش آموزان و معلمان مي شود.اما عده اي هم كه موافق انجام تكليف شب توسط دانش آموزان بوده اند دلايل خود را چنين ارائه داداه اند كه وقتي با معلمان درباره ارائه تكليف سخن مي گوييم،اغلب آن هاعقيده دارندكه اين اولياي دانش آموزن اند كه بر دادن تكاليف درسي در خانه تأكيد دارند.

 اوليايي كه موافق ارائه تكليف هستند آن را وسيله اي براي تشخيص توانايي هاي درسي فرزندشان مي دانند و معتقدند كه با نظارت برتكاليف متوجه مي شوند كه آنان مطالب راتا چه حد آموخته اند وچه كمبود هايي دارند.اين قبيل اوليا معتقدند كه تكاليف درسر شاگردان ،مي تواند وسيله اي براي برقراري ارتباط بين خانه و مدرسه باشد،زيرا اوليا از طريق نظارت بر تكاليف متوجه مي شوند كه در مدرسه چه مي گذرد و چه تغييراتي درمحتوا،روش ها و برنامه هاي درسي شده است.اين امر باعث مي شود كه آنان در مواردي به مدرسه مراجعه نمايند و معلم فرزندشان را ملاقات كنند(بازرگان،1377).

**2-13 اهمالكاري در انجام تكاليف درسي**

 اهمالکاري در انجام تکاليف تحصيلي يکي از مشکلاتي است که دانش‌آموزان با آن مواجه مي‌شوند. بسياري از دانش‌آموزان در انجام يک تکليف تحصيلي تعلل مي‌کنند و مرتب با خود قرار مي‌گذارند که مثلاً فردا تکاليفشان را انجام خواهند داد. بسياري از اين دانش‌آموزان آرزو دارند که بتوانند تکاليف خود را به موقع انجام دهند. اهمالکاري را به عنوان « تمايل به دوري از انجام يک فعاليت،وعده به انجام دادن آن در زمان ديگر و استفاده از بهانه‌ها و عذرهاي متفاوت براي توجيه اين تأخير و دوري از سرزنش ناشي از آن » تعريف کرده اند.در تعريف اهمالکاري تجربه ذهني ناراحتي ناشي از اين تأخير را نيز اضافه نموده‌اند و با در نظرگرفتن اين‌که اهمالکاري در امور تحصيلي و به ويژه آماده شدن براي امتحانات پايان ترم، شيوع بيشتري دارد آن را به عنوان گرايش به:الف) به تأخير انداختن مداوم يا تقريبا مداوم تکاليف و ب) تجربه اضطراب مداوم يا تقريباً مداوم مرتبط با اين تأخير، تعريف کرده‌اند.

 اهمالکاري در انجام وظايف تحصيلي بر يادگيري و موفقيت تأثير منفي مي‌گذارد. چه تأخير در شروع يادگيري و انجام دادن تکاليف باعث خواهد شد که فرصت‌هاي مناسب يادگيري ازدست رفته و مجبور شويم که تکاليف رادر زماني نامناسب و حتي محدود انجام دهيم و درروند فرآيند يادگيري خلل زيادي ايجاد شود و تکاليف به درستي و بادقت انجام نگيرد.بنابراين باعث مي‌شود که کارهايمان را همراه با ارتکاب اشتباهات فراوان انجام داده و اين اشتباهات شانس موفقيت ما را کاهش مي‌دهند.اهمالکاري باعث مي‌شود که نتوانيم خودرا براي امتحان آماده کنيم چنان‌که بسياري ازدانش‌آموزان و حتي دانشجويان مطالعه درس‌هاي خود را به طور مکرر به تعويق مي‌اندازند و درنتيجه مجبورند شب امتحان مطالب و موضوعات بسيار زيادي را درزمان محدودي مطالعه کنندوباآمادگي نه چندان مناسب درجلسه امتحان حاضر شوند.دلايل زيادي براي عدم موفقيت افراد در زندگي وجود داد. اهمالکاري مي‌تواند مهم‌ترين دليل باشد.اهمالکاران فرصت‌هاي خودشان رااز دست مي‌دهند،آن‌هادرمسيرخود موانعي مي‌گذارند و در واقع مسيرهايي را انتخاب مي‌کنند که به عملکرد و موفقيت شان آسيب مي‌رساند و به طور کلي آن‌ها زندگي خودشان راتباه مي‌کنند. اضطراب يکي ديگرازمشکلاتي است که دراثر تعلل درانجام کارهاايجاد مي‌شود. نگراني از انجام ندادن درست و به موقع کارها، نگراني از نداشتن زمان کافي براي انجام تکاليف ، نگراني بر اثر تأخير در شروع انجام کارها و تکاليف و... اين نگراني‌ها باعث مي‌شود که فرد اضطراب زيادي را متحمل شود . اهمالکاري باعث عملکرد ضعيف درامتحان و ناتواني در رقابت با ديگر دانش‌آموزان مي‌شود و باعث مي‌شود فرد به کارها وفعاليت‌هاي ديگر که در مقايسه با انجام تکاليف و مطالعه جذاب‌ترهستند، پرداخته و به راحتي ازمطالعه دست بکشد.به طورکلي اهمالکاري با افسردگي و اضطراب بالا،عزت نفس پايين،کارآمدي پايين،اعتماد به نفس پايين و موفقيت تحصيلي و شغلي پايين مرتبط است . در بررسي علل اهمالکاري دو ديدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد . ديدگاه اول اهمالکاري را يک ضعف شخصيتي ثابت فرد مي‌داند که در بافت‌ها و موقعيت‌هاي متعددي باعث اهمالکاري افراد مي‌شود.ديدگاه دوم اهمالکاري رانه يک حالت ثابت بلکه يک حالت گذرا و موقعيتي مي‌داند.اين ديدگاه علل اهمالکاري را در تأثيرات تعيين کننده‌ي موقعيت‌ها جست‌وجو مي‌کند.افراد اغلب دو نوع جهت گيري هدف دارند يا تکليف محور هستند، يعني هدف آن‌ها اين است که از طريق انجام دادن تکليف به پاداش بيروني دست يابند، موفقيت کسب کنند و اين‌گونه نشان دهند که از ديگران برترند. گروه ديگر تسلط محور هستند، هدف اين افراد از انجام تکليف اين است که در آن تکليف مهارت کسب کنند و به طور کلي به خاطر يادگيري و کسب اطلاعات و مهارت تکاليف را انجام مي‌دهند. اخيراً بعد سومي‌نيز به اين جهت گيري‌ها اضافه شده است که به آن اجتناب محور مي‌گويند،افرادي که دراين جهت‌گيري قرار دارند هدف آن‌ها از انجام دادن تکليف،اجتناب از شکست است. اين افراد براي اين‌که از نتايج ناشي از شکست مانند سرزنش ، تنبيه و يا از دست دادن عزت نفس، بگريزند، مداوم در تلاش براي جلوگيري از شکست هستند پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افرادي که داراي جهت گيري تسلط يابي هستند در مقايسه با تکليف محورها و اجتناب محورها در انجام تکاليف خود کمتر اهمالکار هستند،برعکس دانش‌آموزاني که تکليف محور هستند، گرايش بيشتري به اهمالکاري دارند .

 يادگيرندگان خودگردان با توجه به سطح توانايي، و دانش خود و شرايط محيطي،اهدافي براي خود بر مي‌گزينند و براي رسيدن به اين اهداف برنامه ريزي مي‌کنند و بر چگونگي پيشرفت خود نظارت مي‌کنند و در نهايت عملکرد خود را مورد ارزيابي قرار داده و خود را تشويق يا تنبيه مي‌نمايند. دانش‌آموزان خودگردان کمتر اهمالکارند آن‌ها از راهبردهاي شناختي مناسبي بهره مي‌برند، مهارت‌هاي فراشناختي از جمله تنظيم و برنامه ريزي زمان را به طور شايسته به کار مي‌برند و باورهاي انگيزشي مناسبي دارند. نکته جالب توجه اين است که مهارت‌هاي يادگيرندگان خودگردان اکتسابي هستند و دانش‌آموزان مي‌توانند ضمن کسب آن‌ها يادگيري خود را مديريت نمايند،برخي از پژوهشگران دسته دوم علل اصلي اهمالکاري را باورهاي انگيزشي از جمله خودکارآمدي مي‌دانند. دانش‌آموزاني که به توانايي‌هاي خود در انجام موفقيت‌آميز تکاليف اعتماد کمتري دارند به اهمالکاري گرايش بيشتري دارند. برعکس دانش‌آموزاني که خودکارآمدي بالاتري دارند، تلاش بيشتر،استقامت بيشتر و برنامه‌ريزي مناسب‌تر در انجام تکاليف دارند و وظايف و تکاليف خود را به موقع شروع مي‌نمايند.

 باورهاي غيرمنطقي نيز از جمله عوامل مؤثر بر اهمالکاري افراد است. اين باورها باعث مي‌شود که افراد برخي از تکاليف را به صورت فرايندهاي ناخوشايند ببينند. کناس (1983) معتقد است که دو باور غيرمنطقي که بيشتر از همه با اهمالکاري مرتبط هستند عبارتند از: 1- باورهاي فرد درباره عدم شايستگي خود و2- باورهاي فرد درباره سخت و طاقت فرسا بودن دنيا. پژوهشگران بعدي باورهاي غيرمنطقي را در چندين شاخص رديابي کردند.آن‌ها توجه ويژه اي درباره ترس از شکست، کمال گرايي،خودآگاهي و اضطراب امتحان معطوف داشتند. در اين ميان باورهاي کمال گرايي در اهمالکاري نقش عمده اي دارد.از جمله مشکلات افراد اهمالکار نداشتن اهداف کوچک و خرد قابل دستيابي است. بنابراين کمال گراها که اهداف بزرگ و بعضاً غيرقابل دستيابي دارند گرايش بيشتري به اهمالکاري از خود نشان مي‌دهند.

 افرادي که داراي باورهاي غيرمنطقي مرتبط با کمال گرايي هستند، درباره توانايي خود براي انجام کارها به نحو شايسته دچار ترديد مي‌شوند. آن‌ها در صورت انجام ندادن هر کاري با بالاترين کيفيت در شايستگي خود شک کرده و عزت نفس خود را از دست مي‌دهند.بسياري از دانش‌آموزان عدم کسب نمره 20 را ناشي از ناشايستگي خود مي‌دانند و ضمن از دست دادن عزت نفس خود، در انجام تکاليف بعدي خود اهمالکار مي‌شوند. ضمن اين‌که عزت‌نفس و خودکارآمدي رابطه مستقيمي‌با اهمالکاري دارند( بيابانگرد،1387).

**2-14 عوامل مؤثر در يادگيري**

**2-14-1 آمادگي**

 شاگرد بايد از لحاظ جسمي،عاطفي،عقلي و... رشد كرده باشد تا بتواند به خوبي ياد بگيرد و يادگيري زماني برايش مفيد خواهد بود كه از هر نظر آمادگر داشته باشد .

**2-14-2 انگيزه و هدف**

 يادگيري معلول انگيزه هاي متفاوتي است.يكي ازاين انگيزه ها،ميل ورغبت شاگرد به آموختن است .زيرا وقتي شاگردان به موضوعي علاقمند باشند،در يادگيري بيشتر فعال مي شوند.هدف به فعاليت انسان جهت و نيرو مي دهد.فرد را به خواستن و طلب كردن وادار مي كند و نيروي لازم را براي فعاليت دروي به وجود مي آورد و سبب پيدايش قصد و اراده در او مي شود.

**2-14-3 تجارب گذشته**

 آموخته ها و تجربه هاي گذشتهً شاگرد « ساخت شناختي » وي را تشكيل مي دهد.آمادگي شاگرد در حدوسيعيي تحت تأ ثير تجارب گذشتهً اوست.فرد زماني مي تواند مفاهيم و مسائل جديد را درك كند كه مفهوم و مسأله جديد با ساخت شناختي او مرتبط باشد.

**2-14-4 موقعيت و محيط يادگيري**

 محيط ممكن است فيزيكي باشد،مانند نور،هوا،تجهيزات و امكانات آموزشي.طبيعي است كه هرچه اين امكانات براي فرد بيشتر فراهم شود،يادگيري بهتر صورت خواهد گرفت.

**2-14- 5 روش تدريس معلم**

 شاگردان همواره علاقمندبه فكركردن است،دربررسي امورمختلف،بايد فرصت حركت و جنبش داشته باشد تا بتواند به هدفهاي آموزشي برسد.در روش تدريس معلم بايد اين نكات درنظرگرفته شود،درنهايت اين كه مدرسه وكلاس براي شاگردجالب توجه وجذاب باشد.

**2-14- 6 تمرين و تكرار**

 تمرين و تكراچه نقشي در فرايند يادگيري دارد؟آيا پيشرفت يادگيري مستقيماًتابع تكراراست؟مساعدترين موقعيت براي تمرين كدام است ؟ تكاليف مدرسه مي تواند براي شاگردان مفيدباشد يا نه ؟ در پاسخ به اين سؤالات بايد گفت:تأ ثير تمرين و تكرار در كل فرايند يادگيري و حيطه هاي مختلف آن و به ويژه در حيطه رواني – حركتي ،انكار ناپذير است.شاگردان بايد بلافاصله از نتيجهً تمرين و كاركرد خود مطلع شوند؛زيرااطلاع از پيشرفت،او را به كوشش وا مي دارد.( شعباني،1380)

**2-15 تمرين و تكليف شب**

 تمرين و تكليف شب با هم مرتبط هستند.اين دو، به وسيله محتوا وقتي كه دانش آموزان از روي آگاهي ياد مي گيرند و دانش جديد را به كار مي گيرند،مرتبط مي شوند .تأثيرات راهبردي معلمان در اين نوع تجربه يادگيري اين است كه فعاليت هاي برنامه با يادگيري نهايي جور شود.تحقيقات درباره تكليف شب نشان مي دهد تفكر راهبردي مدارس ، نبايد شكل دادن به تفكر آينده دانش آموزان باشد، بلكه به عنوان يك استراتژي متمركز براي افزايش درك و فهم آن ها باشد.دانستن انواع تكليف شب نيازمند كمك معلمان است كه تكليف شب را طراحي مي كنند.

 تمرين وسيله اي است كه مكرراً،دانش آموزان را به كاربرد يادگيري جديد تشويق مي كند.تمرين نهايي براي دانش آموزان اين امكان را به آن هامي دهد تا به تسلط برسند.تحقيقات درباره تكليف شب و تمرين جواب هاي مهم به اين سؤالات است : دانش آموزان چه وقت بايد تمرين كنند ؟ به چه مهارت هايي در هنگام تمرين كردن بايد دست پيدا بكنند ؟ چگونه معلمان مي توانند از يك ارتباط قوي بين حافظه و درك و فهم برسند ؟ چه اندازه تمرين براي تسلط لازم است ؟ راهبرد تكليف شب و خوب طراحي كردن تمرين دانش آموزان يادگيري آن ها را افزايش مي دهد. تغييرات كمي در تمرين اهميت مهمي در دستيابي دانش آموزان در افزايش يادگيري مي تواند داشته باشد(براون،1378).

**2-16 كمك مدرسه در انجام تكاليف**

 معلماني كه در اول سال تحصيلي درباره تكاليف مورد انتظار، نحوه انجام و زمان ارائه آن با دانش آموزان و اولياي آنان مشورت مي كنند و به شاگردان اختياراتي در انجام تكاليف و نحوه ارائه آن مي دهندمعمولاً دردريافت،كيفيت مناسب تكاليف و جلب رضايت شاگردان، موفقيت بيشتري دارند. امادرمورد شاگرداني كه به علل محروميتهاي فرهنگي،بي سوادي يا گرفتاري اولياو شرايط نامساعد مسكن بندرت ازعهده انجام خاصي را براي انجام تكاليف ،زير نظر معلمان يا شاگردان كلاسهاي بالاتر تنظيم نمايد تااين قبيل دانش آموزان بتوانند در محيطي آرام وپرانگيزه كار درسي خود را انجام دهند و احياناً با طرح مشكلات خود،از كمكهاي درسي لازم برخوردار گردند.در اين صورت تنها تكاليفي را مي توان به خانه فرستاد كه امكان انجام آن به تنهايي براي كودكان وجود داشته باشد.

 در موردكودكاني كه دچار عقب ماندگي تحصيلي هستند،دادن تكاليف كوتاه و تمرينات ساده و پرسيدن سوالاتي كه معمولاً اين كودكان بتوانند از عهده پاسخ برآيند،در رشداعتماد به نفس آنها و ايجادانگيزه براي شركت در فعاليتهاي كلاس،مسلماً موثر خواهدبود. برعكس،تكاليف سنگين و پيچيده كه خارج از توانايي اين كودكان است آنان را نسبت به انجام هر نوع فعاليت درسي دلسرد و از خود نااميد خواهد كرد.معلم موفقي مي گفت:من فرمول معجزه آسايي ندارم و علت علاقه شاگردان من به انجام تكاليف درسي اين است كه براي هر شاگرد يا هر گروه از شاگردانم تكاليفي تعيين مي كنم كه با توانايي و شرايط زندگي خانوادگي آنان مطابقت داشته باشد. من از شاگردان قويتر تكاليف پرحجم تر و نسبتاً پيچيده تري مي خواهم، اما در عين حال اين شاگردان را تشويق مي كنم تا نتايج كار و تجربياتشان را در كلاس با ساير بچه ها در ميان بگذارند و ديگران را دريافته هاي خود سهيم كنند(بازرگان،1376).

**2-17 ايجاد شرايط مطلوب و لوازم مناسب براي انجام تكليف شب**

 دانش آموز نمي تواند در هر جا و تحت هر شرايطي كاركند. درس خواندن نيز مانند همه كارهاي ديگر آداب و رسوم خاص خود را دارد و كودك براي اينكه بتواند خوب كار كند نيازمند محيطي مطلوب از نظر نور،سر و صدا و حرارت است.اوجاي مناسبي براي نشستن مي خواهد و به لوازمي؛ مانند مداد،خودكار،پاك كن،خط كش، كتاب و جزوه درسي و احتمالاً فرهنگ لغات و چيزهايي از اين قبيل احتياج دارد كه لازم است اين وسايل را پيش از شروع به كار در كنار خود داشته باشند .كودكان كلاسهاي پايين تر دوست دارند براي انجام تكاليف خود بخشي از اتاق رااشغال كنندكه در آنجا مادر يا پدرشان نيز به كاري مشغولند.آنان در كنار اولياي خود احساس امنيت بيشتري مي كنند.از آن گذشته آنها با نشان دادن گاه و بيگاه قسمتي از تكاليف خود تاييد اوليا را نيز براي ادامه كارمي طلبند.نوجوانان برعكس،غالباً به محيطي بي سر و صدا نيازمندند،به طوري كه بتوانند كتاب و لوازم خود را با خيال راحت پخش كنند.برخي از آنان حتي تمايل به بستن در و پنجره دارند تا هيچ گونه سرو صدا و عامل مزاحمت، تمركز آنان را به هم نزند.بعضي ازكودكان ترجيح مي دهنددرحال راه رفتن درس حاضر كنند،بعضي ديگر دوست دارند با همكلاسيهاي خوددرس بخوانند. بايد ديد كودك كجا و چگونه مي تواند بهتر ياد بگيرد و در صورتي كه ميسر بود امكان انجام تكاليف را در شرايطي كه براي وي مطلوبتر است فراهم كرد(بازرگان،1376) .

**2-18 خصوصيات سطح سني كودكان دوره دوم ابتدايي،كه در سن 9 تا 12 سالگي را شامل مي شود0**

**2-18-1 خصوصيات بدني كودك دبستاني**

 1- در رشد بيشتر دختران و آن عده از پسران كه بلوغ را زودتر آغاز كرده اند، جهشي ديده مي شود .

2- غالب دختر ها به بلوغ جنسي مي رسند.

3- هماهنگي هاي ظريف حركتي بسيار خوب است.

4- رشد استخوان ها هنز كامل نيست و از اين رو استخوان ها و رباط هاي كودك تحمل فشار زياد را ندارد.پسر ها قدرت و تحمل زيادي پيدا مي كنند وازبازي هاي خشن چنان لذت مي برند،كه اغلب به خود صدمه مي زنند( بيلر،1369).

 رشد جسماني در دوره دبستان ، نسبتاًكندتر از دوره هاي قبل است.قد كودك 6 ساله تقريباً 112 سانتي متر و وزنش 22كيلو گرم است. تا 10 سالگي پسران از دختران اندكي بلندتر و سنگين ترند،ولي در 15 سالگي دختران از پسران دراين زمينه پيشي مي گيرند.نسبت و شكل اندام هاي بدن،به بزرگسالان شبيه مي شود و استخوان هار بدن سخت مي گردند. فشار خون كودك به تدريج افزايش پيدا مي كند،اما از ضربان قلب او كاسته مي شود . پسران بيشتر بافت هاي ماهيچه اي و دختران بيشتر بافت هاي چربي دارند(شفيع آبادي،1385).

 كودك در اين سن بيشتر به بازي هايي تمايل دارد كه با حركات زياد توأم باشد ومي خواهدسرعت،قدرت و مهارت خود را امتحان كند.او به بازي هاي دسته جمعي علاقمند مي شود و مي خواهد در هر بازي رفيق و شريكي داشته باشد ، تا به او كمك كند و مخالفي كه به مبارزه و مباحثه با او بپردازد،زيرا در اين مرحله،ميل به رقابت ظاهر مي شود و دوام و شدت مي يابد و كودك را وامي دارد كه نهايت كوشش خود را براي پيروزي بر دشمن به عمل آورد(شعاري نژاد،1387 ).

**2-18- 2 خصوصيات اجتماعي**

 1 - گروه همسالان تدريجاً مقتدر مي شود و به عنوان منبع اصلي استاندارد هاي رفتاري و تشخيصي پيشرفت،جانشين بزرگسالان مي شود.

2- علائق دخترها و پسر ها،به تدريج تفاوت بيشتري پيدا مي كند .

3- بازي هاي گروهي مورد توجه قرار مي گيرد و روحيهً كلاسي قويتر مي شود.

4- شيدايي و قهرمان پرستي در اين سن معمول است.

**2-18- 3 خصوصيات عاطفي**

 1- تضاد بين مقررات گروهي و قوانين اجتماعي ممكن است ايجاد اشكال كند و براي مثال به بزهكاري نوجوانان بينجامد .

كودكان اين سن قادرند،نسبي بودن موقعيت ها را در نظر بگيرند و بپذيرند كه قوانين و مقررات،مطلق نيستند،بلكه سلسله اعمال پيشنهادي هستند.

**2-18-4 خصوصيات ذهني**

 در دوره دبستاني رشدذهني و استدلالي كودك سريع است و به تدريج مهارت در حل مسئله را كسب مي كند.علاقهً زيادي به يادگيري دارد و انگيزه هاي دروني او براي كشف و ابتكارقوي است.حرف زدن را دوست دارد و مهارتش درآن به مراتب بيشتر از نوشتن است .اشتياق زيادي به پاسخ گويي داردومعمولاٌ اين كار را بدون توجه به دانستن جواب صحيح انجام مي دهد.ممكن است كه معلم دبيرستان دربرانگيختن دانش آموزان به فعاليت داوطلبانه دركلاس با مشكلاتي روبه رو شود ،امامعلمان دوره ابتدايي چنين مشكلاتي ندارند،زيرا كودكان ابتدايي داراي انگيزه هاي دروني قوي براي فعاليت اند( بيلر،1369).

 در اين سن كودك از داستان ها لذت مي برد و قادراست بدون برقراري زياد،به آن هاگوش فرا دهد.سرود هاوترانه هاي كودكانه را به سرعت مي تواند به خاطر بسپارد و دوست دارد در خواندن دسته جمعي سرود شركت كند.در بازي هاشركت فعال دارد و ازمقررات آن ها پيروي مي كند.كودكان در اين دوره گاهي از كلمات ركي‍ِك استفاده مي كنند و ممكن است كه معناي دقيق آنهارا ندانند،اماعكس العمل هاي ديگران در مقابل آن ها،باعث تقويت و تكرار چنين رفتار هايي مي شود.در اين سن كودكان به خبرچيني تمايل دارندوهدف اصلي آن هاازاين رفتار،جلب توجه ديگران است ( استوپارد،1377).

**2-19 عملكرد تحصيلي**

 **2-19-1 پيشرفت**

 نيازبه پيشرفت،ميل به انجام دادن كارها متناسب با معيار برتري است.اين نياز،افراد را براي جستجو كردن « موفقيت در رقابت با معيار برتري » باانگيزه ميكند( مك كللندو همكاران،1953،به نقل از ريو، 2005،ترجمه محمدي،1385).

 گيج و برلاينر(1371)انگيزهً پيشرفت را به صورت يك ميل يا علاقه به موفقيت كلي ياموفقيت در يك زمينه فعاليت خاص تعريف كرده اند.پژوهش هاي انجام شده دراين زمينه نشانداده اند كه افرادازلحاظ اين نياز با هم تفاوت زيادي دارند.بعضي افراد داراي انگيزه سطح بالايي هستند و دررقابت با ديگران و در كار هاي خود،براي كسب موفقيت،به سختي مي كوشند.بعضي ديگرانگيزه چنداني به پيشرفت و موفقيت ندارندواز ترس شكست آمادهً خطر كردن براي كسب موفقيت نيستند(سيف،1386).

**2-19-2 عملكرد تحصيلي**

 چنانچه آموخته هاي آموزشگاهي فرد متناسب با توان و استعداد بالقوه او باشد ياآموخته هاي فرد متناسب با توان و استعداد وي بوده،در يادگيري فاصله اي بين توان بالقوه و بالفعل او نباشد،مي توان گفت كه دانش آموز به پيشرفت تحصيلي نائل گرديده است(افروز،1378 ).

**2-19-3 اسناد ها بعدازموفقيت وشكست**

 دانش آموزان دانشجويان پس از شكست،عموماُبراهميت علل بيروني(سخت بودن امتحان،عملكرد معلم ، محيط آموزشي،محيط خانوادگي و كتاب) تأكيد مي ورزند و بعداز موفقيت تمايل دارند كه بيشتر بر آثار عوامل دروني ( كوشش،انگيزه،هوش،فعاليت ودقت)تأكيد كنند،سه ديدگاه در اين باره وجوددارد:الف)بر طبق ديدگاه اول وقتي كه دانش آموزي موفق است،مي توانداعتماد و احساس ارزش شخصي خودرابا اسنادكردن عملكرد خودبه عوامل دروني افزايش دهد،وبرعكس زماني كه با شكست مواجه مي شود،مي تواندباانكارمسئوليت ،عملكردخودرا به عواملي از قبيل معلم،زندگي خانوادگي يا دشواري مطالب نسبت دهد و به اين ترتيب از پيامدهاي مخرب عزت نفس اجتناب كند .

 ب) اگردانش آموزان و دانشجويان انتظارات موفقيت داشته باشند و نمره قبولي بياورند و يااگرانتظار شكست داشته باشند و نمره مردودي بياورند،گرايش خواهند داشت كه عملكرد خودرا به عواملي پايدار و دروني اسناد بدهند.امااگرعملكردآنان مغاير با انتظارات آنها باشد،درآن صورت عملكرد خودرا به عواملي ناپايدارمثل شانس و آزمون دشوار اسناد خواهند داد .

 ج) ازآن جاكه عملكرد دانش آموزان و دانشجويان اغلب علني و آشكاراست،دانش آموزان و دانشجويان نمره هاي پايين خود را به عوامل بيروني اسناد مي دهند تا از شرمساري شكست تحصيلي اجتناب كنند و نمرات خودرا به تلاش يااستعدادخوداسناد مي دهند تا از خود تصور شايستگي و قابليت در ذهن ديگران ايجاد كنند ( لاتيز، 1380 ) .

 درنظريه اسناد به طوركلي چهار علت در موقعيت هاي موفقيت و عدم موفقيت تحصيلي بيان مي شود . توانايي ، كوشش ، سطح دشواري ، تكليف و شانس . توانايي و كوشش اسناد هاي دروني هستند و سطح دشواري و تكليف و شانس اسناد هاي بيروني براي فرد هستند . توانايي وكوشش چون در خود فرد قرار دارد و عوامل دروني هستند ،درحالي كه سطح دشواري تكليف چون منشاء آن در خارج از افراد است ،عوامل بيروني محسوب مي شوند .توانايي وكوشش اگر چه دروني هستند ولي يكسان نيستند . عامل توانايي نسبتاُ با ثبات و كمتر قابل تغيير است در حالي كه كوشش مي تواند تغيير كند . همين طور سطح دشواري تكليف يك خصوصيت با ثبات است . در حالي كه شانس بي ثبات و غير قابل پيش بيني است ( سيف ، 1386 ) .

**2-20 عوامل مؤثر برعملكرد تحصيلي**

**2-20-1 محيط خانواده**

 صاحبنظران روانشناسي و علوم تربيتي يكي از مهمترين نهاد هاي مؤثر درپيشرفت تحصيلي رامحيط خانواده بر مي شمارند .زيرا محيط خانواده اولين و با دوام ترين عامل در تكوين شخصيت كودكان ، نوجوانان و زمينه ساز رشد جسماني ، اخلاقي ، عقلاني و عاطفي است .پدر و مادري كه به تعليم و تربيت ، سواد،حسن رفتار يا هر نوع پيشرفت اجتماعي بي توجه باشد مسلماً در پيشرفت تحصيلي فرزند خود تأ ثير منفي گذاشته است . محيط خانوادگي بيشتر از بهره هوشي كودكان در موفقيت تحصيلي آنان مؤثر است . پس والدين بايد بدانند محيطي كه براي كودكان خود فراهم كنند ، بايد محيطي غني و آكنده از صفا و صميميت ، مهر و عطوفت و همراه با نظم و انضباط،تفريحات مناسب و گردش هاي به موقع باشد ( بهرام زاده ، 1382 به نقل از شاروك ، 1967) .

**2-20-2 بي سوادي يا كم سوادي والدين**

 اين مورد يكي از عوامل مؤثر در افت تحصيلي دانش آموزان است.پايين بودن سطح تحصيلات و فرهنگ خانواده دردرجه اول سبب مي شود كه خانواده نتواند كمك هاي درسي لازم رابه دانش آموزان ارائه كندودر حل مشكلات درسي آنان را ياري كنند. پايين بودن سطح تحصيلات خانواده سبب ميشودكه والدين نتوانند در خانه از روزنامه،مجلات و كتاب هاي درسي كمكي استفاده كند،در نتيجه فرزندان نيز از اين لحاظ در محروميت به سر مي برند(بيا بانگرد،1387).

**2-20-3 ناكافي بودن امكانات داخل خانه**

 فراهم كردن امكاناتي ازقبيل ميز،صندلي و اتاق مخصوص براي خانواده هايي كه در يك اتاق زندگي مي كنند بسي دشواراست.برخي از دانش آموزان جاي مناسبي براي درس خواندن درخانه ندارند و مجبورمي شوند براي پيداكردن مكاني آرام و بدون سر و صدا براي مطالعه به كتابخانه يا مدرسه بروند. بيرون رفتن دانش آموزان از خانه به هر نيتي كه باشد ممكن است مشكلاتي براي آنان و خانواده ها يشان به وجود آورد . برخي دانش آموزان عادت دارند كه شب ها مطالعه كنند .

 شلوغ بودن خانه و نداشتن مكاني مناسب باعث مي شود كه آنان نتوانند به خوبي از عهده انجام تكاليف خود برآيند و در نتيجه دچارافت تحصيلي مي شوند . بنابر اين فراهم كردن امكانات مي تواند در پيشرفت تحصيلي فرد تأ ثيرات بسزايي داشته باشد.آگاهي والدين از شيوه هاي مطالعه:ممكن است دانش آموزان شيوه هاي صحيح مطالعه را نياموخته باشد و ندانند چه موقع ، كجا و چگونه بايد مطالعه كنند. والدين نيز ممكن است زمينه هاي مناسب مطالعه رابراي او فراهم نكرده باشند يا به علت عدم آگاهي از شيوه هاي صحيح مطالعه، نتوانند مهارت هاي مطالعه را به او بياموزند.

**2-20-4 فقر اقتصادي**

 فقراقتصاد خانواده ، توان اوليا در تأ مين بهداشت ، خوراك و پوشاك مناسب ، كتب و وسايل كمك آموزشي به صفر مي رساند . اين چنين مشكلات سبب مي شود كه دانش آموز نتواند آمادگي لازم را براي يادگيري و فعاليت كلاسي داشته باشد و در نتيجه انگيزه و رغبت براي يادگيري رااز دست مي دهد(خير،1382).

**2-20- 5 معلمان و اولياي مدرسه**

 معلمان از طريق اولياي مدرسه مي توانند هر يك از دانش آموزان را بشناسند و متناسب با وضعيت روحي و رواني و خانوادگي با آنان رفتار كنند . اگر اولياي مدرسه در ابتداي سال ، استقبال خوبي از دانش آموزان داشته باشندو در حد امكان با هديه كردن يك شاخه گل به هر يك از دانش آموزان ، نگرش مثبتي درآنان ايجاد كنند ، مي توانند خوشبيني نسبت به مدرسه و مقدمهً علاقه مندي به درس و يادگيري و ايجاد پرورش ميل ورغبت رادرآنان به وجود آورند (مرتضوي زاده ، 1379) .

**2-21 تأثير عملكرد تحصيلي بر انگيزش و يادگيري**

 بلوم(1363)در مدل يادگيري آموزشگاهي خود گزارش مي كند كه ويژگي هاي عاطفي دانش آموزان (يعني علاقه و انگيزش آن ها نسبت به درس )در جريان يادگيرر آموزشگاهي هم نقش علت را بازي مي كند و هم نقش معلول.معني اين سخن آن است كه يادگيرندگان علاقمندبه يك موضوع،در قياس با يادگيرندگان كم علاقه،موفقيت بيشتري كسب مي كنند و اين موفقيت بيشتر سطح علاقه وانگيزش آن هارا نسبت به آن موضوع و موضوع هاي مشابه آن افزايش مي دهد. تجارب يادگيري دانش آموزان دردرس هاي مختلف وقتي كه به صورت موفقيت ها يا شكست هاي پي در پي اندوخته مي شوند به ايجاد تصوراتي در آن ها نسبت به توانايي شان در رابطه بايادگيري موضوع هاي مختلف مي انجامد ، و انگيرش آن ها را در رابطه با يادگيري موضوع هاي مشابه جديد تحت تأثير قرار مي دهند.

 بلوم (1363) گزارش مي كند كه اگر روند كسب تجربه مثبت يا منفي ادامه يابد ، چنين نتيجه خواهد داد كه دانش آموز به طور كلي نسبت به توانايي هاي خود در رابطه با پيشرفت آموزشگاهي و فعاليت هاي خارج از آموزشگاه به مفهوم ثابتي از توانايي هاي خود دست مي يابد ، كه سبك زندگي آينده و حتي سلامت رواني او را تحت تأثير قرار مي دهد(سيف ،1386).

 2-22 **خسارت هاي مستقيم عملكرد تحصيلي ضعيف**

 اگر بپذيريم هردانش آموزي كه يك سال تكرار پايه داشته است دولت و خانواده ناچار است ، مجدداً هزينه هاي تكراري راصرف آموزش وي كند با جمع و ضرب كردن هزينه متوسط سرانه دانش آموزي- خانواده و دولت - در تعداد مردودين مي توان ميزان خسارت را محاسبه نمود . به اين هزينه، تلف شدن هزينه آموزش كساني كه بدون پايان دوره ، ترك تحصيل كرده اند را بايد افزود. به هر حال در يك برآورد در سال 65 رقم 208ميليارد ريال را اعلام كرده است . به دليل اين كه هر فرد مردود مي بايست يك سال را در يك پايه تكرار كند. فرصتي نيز از دست مي دهد يعني يكسال ديرتر به بازار كار وارد مي شود و درآمدي راكه ممكن است داشته باشد از دست مي دهد رقم خسارت ناشي از فرصت هاي از دست رفته مردودين هم به 411 ميليارد ريال بالغ شده است (مرتضوي زاده ، 1379).

**2-23 خسارت هاي غير مستقيم عملكرد تحصيلي ضعيف**

 مهمتر از تكرار هزينه و هزينه فرصت هاي از دست رفته، آسيب هاي اجتماعي ناشي از اخراج كودكان و نوباوگان از مدرسه و راندن آنها به كوچه و بازار است.از آنجا كه داشتن سياست هاي گريزناك مدرسه ازجمله امتحانات شديد و غليظ و شرايط سخت ارتقاء و مردودي،اندك اندك منجر به تشكيل رفتار گريز از مدرسه مي شود و كودك علي رغم تمايل دروني اش به سوئي رانده مي شود كه نبايستي رانده شود! لذا ما با كودكاني روبرو هستيم كه مدرسه به لحاظ مقررات و شايد تمايل كارگزاران مدرسه، ديگر نمي توانند در مدرسه بمانند. با اخراج هر كودك از مدرسه و ورود او به اجتماع با توجه به مسايل و آسيب هاي اجتماعي امكان اين هزينه هاي پنهان يا غير مستقيم را افزايش داده ايم. بررسي ها نشان مي دهد كه افزايش سطح آموزش جامعه، هزينه هاي عمومي دولت را در ارتباط با بهداشت عمومي، فقر، جرايم، ترافيك، تصادف ها، آلودگي، مرگ و مير و...كاهش مي دهد (فرجادي، 1381).

 عكس قضيه فوق نيزصادق است يعني با كاهش ميزان آموزش به شهروندان هزينه هاي دولت در زمينه هايي مذكور افزايش مي يابد. گرچه اين افزايش هزينه و ياخسارت ها دقيقاً قابل برآورد نيست اما با اخراج هر كودك امكان بزهكار شدن و احتمال معتاد شدن اوراافزايش داده ايم. اگر چه آمار دقيقي از آسيب هاي اجتماعي اين چنيني وجود ندارداما درگفتگوهاي روزمره مردم از ارتباط ترك تحصيل ، اعتياد بزهكاري كودكان صحبت مي شود كه وقتي درست انديشه شود مي توان احتمال آن را در نظر گرفت . به غير از آن ، يك فرد كم سواد در دنياي امروز قادر نيست به درستي خود را با شرايط جامعه سازگار نمايد و همين كم آگاهي ، هم براي خود فرد و هم براي جامعه عواقبي به همراه خواهد داشت، مساله بهداشت، مساله تصادفات، آلودگي ها و افزايش بي رويه جمعيت و تربيت نادرست فرزندان مسايل مهمي است كه افراد كم سواد قاعدتاً بيشتر درگير آن هستند . البته باز توليد اين آسيب ها خود مساله جدي تري است . بر رفتار چه اين كه يك فرد بزه كار آيا فرزندان سالمي تربيت خواهد كرد ؟ يك معتاد چه طور ؟او جداي از اين كه برفتار ديگران اثر مي گذارد و موجب گسترش رفتار ناهنجار مي شود بر شخصيت كودكان خود نيز اثر مخربي بر جاي مي نهد.در عين حال خسارت هاي روحي و رواني ناشي از مردودي و تكرار پايه قابل احصاء نيست.لذا اگر در كنار خسارت هاي فوق در نظر گرفته شود،رقم خسارت بسيار عظيم خواهد بود و اصولاً اين خسارت در كيفيت سرمايه انساني يك كشور است كه شايد با آمار و ارقام به راحتي قابل برآورد نباشد.بعيد است تا به حال مدل رياضي براي برآورد اين خسارت ها تدوين شده باشد!اما با يك حساب سرانگشتي جمع خسارت هاي مستقيم و غير مستقيم افت تحصيلي،بسيار هشدار دهنده خواهد شد،لذا چاره جويي سياست گذاران كلان جامع را طلب مي نمايد.تا تمامي افراد واجب التعليم از حق خود يعني آموزش دوره عمومي بهره مند گردند، و نظام آموزشي بايد قادر باشد در طول اين دوره نسبتاً بلند شهرونداني با صلاحيت تحويل جامعه دهد(فرجادي،1381).

**2-24 نحوه برخورد باعملكرد تحصيلي دانش آموزان**

 1- موفقيت تحصيلي اورا بهانه اي براي محبت كردن قرارندهيد و همين طور عدم موفقيت و قصوردر امر تحصيل را بهانه اي براي كاهش محبت خود نسبت به او قرارندهيد.دانش آموز بايد جداي از رفتارش مورد محبت وعشق شما قرار بگيرد.بنابراين در مقابل شكست هاي تحصيلي او فقط عوامل موثر راشناسايي كنيد.

 2- عملكرد تحصيلي دانش آموزان را با هيچ كس مقايسه نكنيد.

3- احساس خود را نسبت به موفقيت هاي او هر چند كه اندك باشد بسيار واضح و شفاف اعلام كنيد.

4- انتظارات خود را خيلي دقيق و شفاف با توجه به توانايي و استعداد و علاقه هاي دانش آموزان بيان كنيد.به عبارتي اول براي خود معلوم كنيد، سپس با دانش آموزان در ميان بگذاريد و در هر مورد كه دانش آموزان اعلام آمادگي و توانمندي كرد، آن را جمع بندي كرده و در يك دفترچه يادداشت كنيد و سپس هر نوع امكاناتي كه لازم است براي كمك كردن به دانش آموزان كه بتواند آن انتظارات را برآورده كند ، فراهم نماييد و سپس دانش آموزان خودرا تشويق كنيدك همه توان خود را به كار ببرند و به شوق و تلاش او پاداش بدهيد،اما نتيجه عملكردش را بگذاريد خودش ارزيابي كند،اگر در ارزيابي اش خود را ناموفق ارزيابي كرد، او را همراهي كنيد تا بار ديگرشروع كردن را تجربه كند (رستم خاني ،1387) .

**2-24-1 عوامل روحي و رواني افت تحصيلي**

 افت تحصيلي يك كودك موجب بهبود وضعيت پيشرفت تحصيلي وي نمي شود و از اين نظر تا حدود زيادي بي فايده است اما در عوض عوارضي براي كودك به دنبال دارد كه قابل توجه است. يكي ازعوارض جبران ناپذير مردودي بر روي شخصيت كودكان، كاهش عزت نفس و خود پنداره مثبت است ، امروزه نقش خود پنداري مثبت در موفقيت انسانها مورد تاكيد صاحب نظران و پژوهشگران تربيتي است آنان بعد از خانه، مدرسه را مهمترين نيروي شكل دهنده خود پنداري مي دانند موستكاس معتقد است كه ما همه اشتباه مي كنيم. مرتكب خطا شدن و پايين آوردن اعتبار و حيثيت يك كودك و در عين حال آگاه بودن از اين كه شخصيت كودك بيمار مي شود بسيار جدي تر از آن است كه كودك كلماتي را به هنگام قرائت جا بيندازد!! (منادي، 1382)

 كاهش اعتمادبه نفس كودك كه حاصل اين شكست هاست،بزرگترين عامل تعيين كننده روند آتي زندگي وي،خاصه زندگي تحصيلي اوست.اين شكست ها نگرش ها و اعتقادات وي را نسبت به مدرسه،معلم و دانش منفي مي سازد،به گونه اي كه به مرور از علم ومدرسه روي گردان مي شود.تا جايي كه به انتهاي خط مي رسد وبالاخره ترك تحصيل مي كند." شكست هاي متوالي ودر انجام خواست هاي مدرسه ظاهراًهسته مركزي بسياري از مشكلات رواني را تشكيل مي دهد"(خلخالي، 1381).

**2-25 پيشينهً عملی تحقيق**

**2-25-1 تحقيقات انجام شده در داخل كشور**

 صنف ،(1370)در پژوهشي كه درباره چگونگي انجام تكاليف درسي خانگي در نمونه اي از دانش آموزان پايه پنجم ابتدايي دبستان در شهر تهران انجام داد ، به نتايج زير دست يافت .

الف)رابطه مستقيم بين سطح دقت و مراقبت دانش آموز و خانواده او در انجام تكاليف درسي از يك سو و نمره هاي درسي از طرف ديگر وجود دارد.

ب)رابطه مستقيم ميان ويژگي هاي خانوادگي خصوصاً سطح تحصيلات و اشتغال پدرومادرو تعداد فرزندان از يك سو و امكاناتي كه براي انجام تكاليف درسي در منزل فراهم مي شود،وجوددارد.

ج) رابطه مستقيم ميان ويژگي هاي خانوادگي با كارآيي بهره دهي تمرين هاي درسي درمنزل وجود دارد .

 پور حسين (1375)در تحقيقي كهدر مورد تأثيرتكليف شب در پيشرفت تحصيلي دانش آموزان مقطع چهارم ابتدايي شهرستان دزفول در درس املاء فارسي انجام داد، به نتايج زير دست يافت .

الف) توصيه مي شود كه به دانش آموزان تكاليف درسي داده شود .

ب ) توصيه مي شود كه در تعيين ميزان انجام تكاليف درسي به دليل اين كه در نحوهً انجام آن تفاوت معني داري مشاهده نشده ، به دانش آموزان نقش بيشتري داده شود و نظر آن ها درتعيين ميزان و نحوه انجام اين تكاليف خواسته شود .

 آبكار،(1377)در تحقيقي كه در مورد تأثير تكليف شب در عملكرد تحصيلي دانش آموزان مقطع پنجم ابتدايي در شهرستان جهرم انجام داد،به نتايج زير دست يافت .

الف) به دانش آموزان تكاليف تمريني داده شود و آن رامستقل حل بكنند.

ب)به دانش آموزان با توجه به تفاوت هاي فردي كه دارند، تكليف ارائه شود .

ج) به دانش آموزان تكاليفي ارائه شود كه به آن ها انگيزه براي ادامهً كار را بدهد.

 ريحانه نژاد،(1379)در پژوهشي كه درباره تأثير ميزان تكليف شب دريادگيري درس رياضي دانش آموزان پايه چهارم ابتدايي شهرستان جهرم انجام داد به نتايج زير دست يافت.

الف)مسئله هايي كه به دانش آموزان داده مي شود از نوع حل تمرين باشد.

ب)تمرين هايي به دانش آموزان ارائه كنيم كه آن ها از عهده حل آن برآيند.

ج)با اولياء دانش آموزان جلسه بگذاريم و طريقه كمك به فرزندانشان را موقع انجام تكاليف به آن ها آموزش بدهيم .

 بنائي،(1387)در پژوهشي كه درباره تأثير تكليف شب بر پيشرفت تحصيلي دانش آموزان دختر شهرستان مرودشت انجام داد، به نتايج زير دست يافت.

الف)تكاليف ارائه شده به دانش آموزان بيشتر به صورت حل تمرين باشد.

ب)تكاليفي به دانش آموزان ارائه شود كه بتوانند به صورت مستقل عمل كنند.

ج)تكاليف ارائه شده به دانش آموزان بايد به صورتي باشد كه حالت رونويسي نداشته باشد.

**2-25 2 تحقيقات انجام شده در خارج از كشور**

 ماري آن دويل[[10]](#footnote-10) و بتسي باربر[[11]](#footnote-11) (1991)درتحقيقي كه در رابطه با تكليف شب به عنوان يك تجربه يادگيري انجام دادند ، به نتايج زير دست يافتند(قزويني،1370).

الف) تكليف شب بايد با توجه به سن دانش آموزان و از كلاس چهارم به بعد باشد و حجم تكليف شب با توجه به افزايش سن زياد شود.

ب) تمام معلمان زماني كمتر از آن چه واقعاً دانش آموزان روي تكليف صرف مي كنند،در نظر مي گيرند.

ج) كارآيي در تكاليف يكنواخت كمتر از تكاليف آمادگي است .

د) تكليف شب بايد همراه با انگيزش باشد.

و) افراط در تكليف مدارس ابتدايي باعث ايجاد نگرشي منفي در فراگيران شده و مشكلات انضباطي را بيشتر مي كنند.

 پروفسور ايستين[[12]](#footnote-12) (1992) در تحقيقي كه در رابطه با تأثير تكليف شب بر عملكرد تكليف شب انجام داد به نتايج زير دست يافت.

الف) تكاليف به منظور افزايش سرعت ،تسلط،تثبيت،حفظ، يادگيري ومهارت صورت پذيرد.

ب) ارائه تكليف،به منظور افزايش درگيري و اشتغال هر دانش آموز در فرايند فعاليت هاي يادگيري مورد استفاده قرار گيرد .

ج) ارائه تكليف،به منظور پرورش حس مسئوليت شخصي،امانت و صداقت،قدرت مديريت وزمان بندي،اعتماد به خودتداوم در امر يادگيري انجام گيرد.

 هاريس كوپر[[13]](#footnote-13) (1998) در تحقيقي كه در رابطه با سودمندي ياغير سودمندي تكليف شب بر عملكرد تحصيلي دانش آموزان انجام داد،كه به نتايج زير دست يافت.

الف) تكاليف بايد براي دانش آموزان كارآيي لازم را داشته باشد.

ب) به دانش آموزان تكاليفي ارائه شود كه جنبه تمريني داشته باشد و براي آن ها سودمند باشد.

ج) تكليف شب بايد به دانش آموزان كمك كند،تا فكر و نگرش مثبتي در آن ها به وجود آورد .

 كراول[[14]](#footnote-14) و بيل[[15]](#footnote-15)(2001)، كه در شهر نيويورك در رابطه با تأثير تكليف شب بر عملكرد تحصيلي دانش آموزان انجام دادند،به اين نتايج دست يافتند.

1- تكاليف با حجم زياد به دانش آموزان ارائه نشود،كه باعث رنجش خاطروزدگي آن هاازتكليف شود.

2- تكاليفي كه به فرايند كيفي يادگيري و سبك خلاقيت دانش آموزان منجر شود ارائه دهيد.

3- ارائه تكليف علاوه بر يادگيري بايد به عنوان برقراري ارتباط بين والدين و فرزند به كار گرفته شود.

 4- برنامه ريزان درسي بايد كميته اي درباره چگونگي ارائه تكليف شب سازماندهي كنند و ازنظرات اوليا،دانش آموزان،معلمان ومقامات محلي نظر خواهي بشود.

**2-26 نتيجه گيري کلی**

 در سال1842 تكليف شب به عنوان يك موضوع تربيتي مورد مباحثه متخصصين تعليم و تربيت قرار گرفته،بدان جهت بود که ذهن انسان رابه مثابه عضله اي فرض مي کردند که مي تواند به وسيله تمرين ذهني يا حفظ کردن تقويت شود و از آن جا که حفظ کردن مي توانست در منزل صورت ميگيرد، بنابراين به عنوان موضوعي مثبت تلقي شد.بدين ترتيب تکليف شب با پشتوانه اي علمي راهي مدارس شد و جزء لاينفک آن گرديد.اين طرز تلقي ادامه داشت تا محققان درصدد بررسي تجربي پيرامون تکليف شب برآمدند. و منجر به پژوهش هاي تجربي پيرامون اين زمينه شد.نتايج اين تحقيق ها شروع مباحثات منسجمي در خصوص ارائه تكليف در قلمرو تعليم و تربيت شد و محرك بسيري از پژوهش ها در اين زمينه شد . دریک استنباط کلی و تحقیقات ارائه شده در خصوص بررسی تأثیرارائه تکلیف به روش حل تمرین بر عملکرد تحصیلی دانش اموزان دوره ابتدایی می توان عنوان داشت که با توجه به این که یک جنبه مهم از یک موقعیت کلاسی،حالتی است که علاوه بر این که دانش آموزان در آن با هم ارتباط برقرار می نمایند،زمینه به وجود آوردن یک موقعیت در بیرون از مدرسه می توان زمینه را جهت تثبیت و تعمیق یادگیری،تقویت حس استقلال،علاقمندی به علم مطالعه را درفراگیر فراهم ساخت.

**منابع فارسي :**

1- افروز ، غلامعلي ، 1378 ، **نگرش دوباره به مشق شب** ، تهران : انتشارات اوليا و مربيان ،ص40.

 2- احدي ، حسن ومحسني ، نيك چهره ،1380،**روانشناسي رشد** ، تهران ، انتشارات بنياد ،ص58.

 3-استوپارد ، ميريام،1370 ، **كودك خود را بيازماييد** ، ترجمه پروين بلورچي،تهران، انتشارات انجمن اوليا و مربيان،ص120 .

4- بازرگان ، زهرا ، 1376 ، **مدرسه اي ديگر** ، تهراان . انتشارات انجمن اوليا و مربيان جمهوري اسلامي ايران ، صفحات 31- 39 .

5- بازرگان ، زهرا ،1370، **مدرسه اي ديگر** ، تهراان . انتشارات انجمن اوليا و مربيان جمهوري اسلامي ايران ، صفحات 40- 45 .

6- برنارد اسپادك ،1933 ، **آموزش در دوران كودكي** ؛ ترجمه محمد حسين نظري نژاد ( 1374 )؛ مشهد ، انتشارات آستان قدس رضوي،ص83 .

7- بي ار هرنگهان ، ميتواج و السون ، 1998، **مقدمه اي بر نظريه يادگيري** ، ترجمه علي اكبرسيف،1376، نشر روان،ص49 .

8- بيلر ، رابرت ،1927 ، **كاربرد روانشناسي در آموزش** ؛ ترجمه؛ پروين كديور ، 1367،تهران ، مركز نشر دانشگاهي،ص36 .

9- بيابانگرد ، اسماعيل ، 1378 ،. **روش هاي پيشگيري از افت تحصيلي** ، تهران ، انتشارات انجمن اوليا و مربيان ،ص52.

10- بهرام زاده ،هيبت، 1372، **بررسي تأثير رابطه خانوادگي و افت تحصيلي در شهر كازرون** . پايان نامه كارشناسي ارشدگروه علوم انسانی، دانشگاه تهران .

11- بازرگان ، زهرا ،1377، **بحث تكليف شب** ،مجله پیوند،جلد125 ، شماره 28، صفحه 24 .

12- رحمانی ، رحمان ،1371، **تكليف شب و دانش آموزان** ،مجله پیوند، شماره 71 ،صفحه 39 .

13- رحماني رامين ، 1381 ،**نقش تكليف شب در يادگيري دانش آموزان** ، مجله پیوند، شماره 71 ،صفحه 38 .

14- جهانگرد ، يدالله،1387،**كودك و دبستان** ، ماهنامه تعليم و تربيت ، شماره 100 ، صفحه 12 .

15- خير، محمد،1382،**الگوي خانواده موفق** ،پژوهشكده خانواده . انتشارات خانواده ،چاپ اول صفحه 31 .

16- خلخالي، مرتضي ،1381 ، **آسيب شناسي نظام برنامه ريزي درسي ايران** ، تهران ، انتشارات سوگند،ص57 .

17- دو ويل ، ماري آن ، باربر ،1990 ، **تكليف شب به عنوان يك تجربه يادگيري** . ترجمه فاطمه فقيهي قزويني ،1370،تهران ، مركز تحقيقات آموزشِ ، وزارت آموزش و پرورش،ص124 .

18- ريو ، جان مارشال،2005 ، **انگيزش و هيجان** ؛ ترجمه يحيي سيد محمدي، 1385، تهران ، نشر ويرايش،ص69 .

19- رستم خاني ، سيما ،1378، **روزنامه كيهان** تاريخ 21/ 3 / ،1387،ص32 .

20- مجتبي صدقي ،1370،**مبحث تكليف شب به عنوان يك ضرورت تربيتي** ، مجله رشد معلم ، شماره دوازدهم ، صفحه 48 – 51 .

21- فرزانه نجاريان، 1370 ، فرزانه نجاريان – **تكليف شب از ديدگاه متخصصان** ، صفحه 16 .

22- شعباني ، حسن ،1380 ، **مهارت هار آموزشي و پرورشي** . تهران ، انتشارات سمت .

23- شايان ، سياوش ،1377،**تكليف شب در درس جغرافيا** ، رشد آموزش ابتدايي ، سال دوم ، صفحه 31 .

24- شفيع آبادي ، عبدالله، 1385،**مباني روانشناسي رشد** ، تهران . انتشارات اطلاعات،ص89 .

25- شعاري نژاد ، علي اكبر ، 1387،**روانشناسي رشد** ، تهران ، انتشارات سمت،ص63 .

26- سباستين،لاتيز،2000،**اين گونه بايد آموخت** .،ترجمه كيوان عمويي ، 1380 ،تهران ، انتشارات لاييه،ص54.

27- سعادت آبادي ، محمد جعفر و وحيد مختاري،1383 **، ايجاد انگيزه كتاب خواني و مطالعه در** **كودكان و نوجوانان** ، فصل نامه پژوهش نامه ،سال چهارم، صفحه 85 .

28- عباس زاده ،مير محمد ،1380،**آشنايي با تعليم و تربيت كودكان تيز هوش**، تهران ،جهاد دانشگاهي،ص89 .

29- فرجادي ، غلامعلي،1381،**علل موفقيت و عدم موفقيت دانش آموزان دوره ابتدايي در پاسخگويي به سوالات**،تهران، دانشكده مديريت و برنامه ريز‍ي،ص34 .

30- قورچيان ، نادر، 1371 ،**سيماي پژوهش در خصوص تكليف شب در جهان امروز** . فصل نامه تعليم و تربيت ،جلد5، شماره 2 ،صفحه 11 .

31- قاسمي ، راضيه ، 1383 ،**بررسي رابطه انگيزه و پيشرفت تحصيلي در ميان دانش آموزان مقطع سوم متوسطه** . پايان نامه كارشناسي ارشد گروه علوم انسانی ،دانشگاه شيراز .

32- كردي ، عبدالرضا ، 1377 ، **لباس ابتكار را بر قامت تكليف نيز بپوشانيم** ،مجلهرشد ، آموزش ابتدايي،جلد دوم،شماره 10، صفحه 42 .

33- مرتضوي زاده، حشمت الله ، 1385، **خانواده و افت تحصيلي** .مجله پيوند ،جلد6، شماره 299 ،صفحه 42 .

34- منظري توكليان ، علي رضا ، 1375،**بررسي رابطه انگيزه و پيشرفت تحصيلي در دانش آموزان مقطع راهنمايي**.پايان نامه كارشناسي ارشد گروه علوم انسانی، دانشگاه شيراز .

35- منادي مرتضي ، 1382 ،**تفسير شكست هاي تحصيلي از ديدگاه جامعه شناسي** ، فصل نامه تعليم و تربيت ، سال هشتم ، شماره 3،ص25 .

36- نورمحمديان ،مژده،1385،**بررسي رابطه بين عملكرد تحصيلي و بهداشت رواني دانش آموزان مقطع متوسطه شهر كرمان** گروه علوم انسانی، دانشگاه كرمان 0

**منابع انگليسي**

1 - Anderson , M., and neuolH ., 2000 , **The end of home work,New-** York: us department of Education ., p. 5 .

2- Burenham ., D , 1905 , **The hygiene of home study pedagogical semi- nar;** pp. 12-213- 229.

3- cooper , F., 1989 , **synthesis of research on home work** , French,Educa-

tional Leadership,pp.47- 89- 91 .

4 - Epstein , R., 1922 , **home work in instrauctional in the effective revere**

**Education**, :new york ,pp.125-128.

5 - Stit , B., 1916 ,  **home work for elementary pupils** , English ,Educati- on Reviwe, pp .360 – 386 .

 6- strother , R., 1984, **practical applictions of research**, phidelta ,p p52-53.

7- Walberg ,D.,1999,**Too much home work**,New York time,april-4,1935.p-22.

8 - willer , f., 1989 **, An examination of the home work practice of tea- cher ,**new york :pp 98-99.

**Distraction**

 The of this research effective of exercise school as a solve practice .in re- carch educational in five primary school of students in the of doseman zeyari

doshman zeyary in 1387- 1388. in the of

 The gold of this recerch was experience recerche. we had towgr- oups for recerch one group have lad practice school as a expriment group another gro- up that had not given practice school as a check group .

 In this reserch we used of pre- test and post-test. Statistical sos-city in this reserch in cloud of students in the five primary students in the dosman zeyary edectional area in1387 -1388 years statistical society in the eductional doseman zeyary area have 131 students .

 With attention of all of students the number of checed students have so students : that 15 students as a experienced groupand 15 students as a cheak group.

 The reserch taken information : library – educational perform- ance test and collection and analysis. To analysis data a of reserch to comparsion two groups we used of inco - vareyansefor twocom-paring groups . It is necessa- ry we used of spss statistical system to facility and accuracy of a Of analysis data .

 The result of this reserch show that giwen home work had effec-tive impr-ove Education of students in edaucation Doshman zeyary arae.

Word kay : home work – eductional revenue – practice slove .

1. 1- Strother [↑](#footnote-ref-1)
2. 2- Bruner [↑](#footnote-ref-2)
3. 3-Skinner [↑](#footnote-ref-3)
4. 1-Sorendaice [↑](#footnote-ref-4)
5. 1-Willer [↑](#footnote-ref-5)
6. 2-Cooper [↑](#footnote-ref-6)
7. 1-Eastite [↑](#footnote-ref-7)
8. 2-Wallberge [↑](#footnote-ref-8)
9. 3-Andersson [↑](#footnote-ref-9)
10. 1- Doowile [↑](#footnote-ref-10)
11. 2-Barber [↑](#footnote-ref-11)
12. 3- Eastine [↑](#footnote-ref-12)
13. 4- Cooper [↑](#footnote-ref-13)
14. 1- Cerawwel [↑](#footnote-ref-14)
15. 2- Bill [↑](#footnote-ref-15)